





عزاداران

ویژه عزاداران

جایگاه عزاداری اهل بیت علیهم السلام و مجالس ذکر و توسل





عنوان کتاب: هیئت: ویژه‌عزاداران، جایگاه عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام و مجالس ذکر و توسل

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی

نویسنده: واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخرالائمہ علیهم‌السلام قم

ویراستار: مریم رضائی

صفحه‌آرا: محمود بازدار

ناشر: انتشارات قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۳۰۰

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۵

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.



فهرست

۹ • مقدمه

۱۲ • روایات

۱۴ • ۱. فلسفه وجودی عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام

۱۴-۱. حفظ و احیای اسلام

۱۶-۲. زنده نگه داشتن نهضت حسینی

۱۷-۳. مقابله با ظلم ستمکاران

۱۹ • ۲. تاریخچه عزای اهل بیت علیهم السلام

۱۹-۱. ذکر مصیبت جبرئیل برای حضرت آدم علیه السلام

۲۱-۲. عزاداری حضرت ابراهیم علیه السلام در مصیبت امام حسین علیه السلام

۲۲-۳. ذکر عظمت مصیبت امام حسین علیه السلام در گفت‌وگوی خدای متعال با موسای کلیم علیه السلام

۲۴-۴. ذکر مصیبت رسول الله صلی الله علیه و آله

۲۵-۵. پیشگویی و گریه امیرالمؤمنین علیه السلام در زمین کربلا

۲۵-۶. ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام توسط پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و گریه حضرت زهرا علیها السلام

۲۶-۷. ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام توسط حضرت زینب کبری علیها السلام در کربلا

۲۷-۸. ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام از زبان امام سجاد علیه السلام

۲۸-۹. وصیت امام محمد باقر علیه السلام به اقامه عزای

۲۹-۱۰. امر امام صادق علیه السلام به اقامه عزاداری

۲۹-۱۱. عزاداری در دوران معاصر

۳۰ • ۳. جایگاه توسل و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام

۳۰ • ۱-۳. پیوند عاطفی در حزن و شادی ائمه علیهم السلام

۳۱ • ۲-۳. جایگاه اقامه عزای اهل بیت علیهم السلام

۳۱ • ۳-۳. جایگاه گریه بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام

۳۴ • ۴. سیره اهل بیت علیهم السلام در عزاداری حسینی

۳۴ • ۱-۴. برنامه مجلس عزا

۳۴ • ۱-۱-۴. بیان روایات و معارف اهل بیت علیهم السلام

۳۵ • ۲-۱-۴. مرثیه خوانی (شعرخوانی)

۳۸ • ۳-۱-۴. گریه

۴۱ • ۴-۱-۴. اطعام عزاداران

۴۲ • ۲-۴. رفتارهای فردی

۴۲ • ۱-۲-۴. لباس مشکی پوشیدن

۴۲ • ۲-۲-۴. به دیدار هم رفتن و تسلیت گفتن به یکدیگر

۴۳ • ۳-۲-۴. پرهیز از خندیدن در ایام عزا و محزون بودن در این ایام

۴۵ • ۴-۲-۴. سلام کردن بر امام حسین علیه السلام و لعن قاتلان آن حضرت در هنگام نوشیدن آب

۴۵ • ۵-۲-۴. رهاکردن کسب و کار در ایام عزا

۴۷ • ۶-۲-۴. حالت مصیبت زده به خود گرفتن

۴۷ • ۳-۴. فعالیت‌های جمعی در اقامه عزای اهل بیت علیهم السلام

۴۷ • ۱-۳-۴. دسته عزا

۴۹ • ۲-۳-۴. اقامه مجلس عزا در خانه‌ها

۵۱ • ۱-۲-۳-۴. ساترزدن بین زنان و مردان

۵۲ • ۳-۳-۴. عزاداری در مراکز عمومی

۵۲ • ۵. الگوی مطلوب عزاداری

۵۵ • ۱-۵. برگزاری عزاداری به شیوه سنتی

۵۶ • ۱-۱-۵. دستجات عزاداری

۵۶ • ۲-۵. تبیین و تشریح معارف اصیل دینی و مفاهیم متناظر امروزی آن‌ها

۵۸ • ۳-۵. بُعد سیاسی مجالس عزاداری

۵۹ • ۱-۳-۵. استفاده اهل بیت علیهم السلام از عزاداری به عنوان ابزار مبارزه سیاسی

۶۰ • ۵-۳-۲. کارکرد سیاسی عزاداری در شرایط امروز

۶۲ • ۵-۳-۳. مبارزه دشمنان با عزاداری به خاطر وجه سیاسی آن

۶۴ • ۶. انحرافات عزاداری

۶۴ • ۶-۱. انحراف‌های فکری

۶۴ • ۶-۱-۱. جدا کردن مسائل اعتقادی اسلام از مسائل عاطفی و احساسی

۶۷ • ۶-۱-۲. ایمنی از مجازات الهی به دلیل حب اهل بیت علیهم‌السلام

۶۸ • ۶-۱-۳. تحریف چهره واقعی امام حسین علیه‌السلام

۶۸ • ۶-۱-۴. افراط و تفریط در طرح مسائل سیاسی در مجالس عزاداری

۶۹ • ۶-۲. انحراف‌های عملی

۷۰ • ۶-۲-۱. قفل زدن به بدن

۷۰ • ۶-۲-۲. قمه زنی

۷۵ • ۶-۲-۳. انجام دادن حرکات وهن آمیز در زیارت

۷۶ • ۷. ثمره‌ها و برکت‌های مجالس ذکر و عزای اهل بیت علیهم‌السلام

۷۶ • ۷-۱. تربیت انسان مطلوب اسلام

۷۷ • ۷-۲. ایجاد روحیه مجاهدت و شهادت طلبی

۸۰ • ۷-۳. سازماندهی مردمی، در مقابل ظالمان

۸۲ • ۷-۴. زمینه‌سازی برای آغاز نهضت‌های اسلامی

۸۴ • ۷-۵. ایجاد قدرت مقاومت در برابر دشمنان

۸۶ • ۷-۶. ایجاد حاکمیت اسلام و حفظ نظام اسلامی

۸۸ • ۷-۷. تحقق وحدت کلمه

۸۸ • ۸. مسئولیت هیئت‌ها و مجالس مذهبی در قبال انقلاب اسلامی

۹۰ • ۹. تکالیف عمومی در برابر عزاداری

۹۱ • ۹-۱. وظایف همگانی

۹۲ • ۹-۲. وظایف مسئولان در قبال عزاداری‌ها

۹۲ • ۹-۳. وظیفه علما و روحانیان

۹۴ • مسابقه فرهنگی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس بی‌پایان خدای متعال را که پس از خلق فرزندان آدم، همگان را به طریق ارادت خویش فرا خواند و ما آدمیان را در شاهراه محبت و عشق خود مبعوث کرد.

﴿وَمَنْ يُعِظْكُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱

و هرکه شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.

ائمه هدی علیهم السلام در بشارتی روح‌بخش به انسان‌های طالب لقای حق فرموده‌اند: «فَادْعُوهُ بِنَا»^۲؛ یعنی همه ما در راه تعالی و کمال خود و قرب به خداوند متعال ناگزیر از توسل به این انوار مطهر هستیم. طبق روایات هیچ راهی جز مکتب ائمه هدی علیهم السلام به سوی حق تعالی وجود ندارد و تمامی مکاتب و شرایعی که جز این مسیر نورانی، راهی برای رسیدن به خدا نشان می‌دهند، پایانی جز گمراهی و ضلالت ندارند.

اگر چه همه اهل بیت علیهم السلام کشتی نجات هستند و تمسک به آنها انسان را از گمراهی نجات می‌دهد ولی بنابر روایات، سفینه‌الحسین در این راه، طالبان حقیقت را سریعتر به سرای مقصود می‌رساند و توسل به سالار شهیدان را نزد خدای متعال حساب دیگری است.

اکنون که این رشته محکم و نورانی در اختیار پیروان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است، همه تلاش شیاطین بر آن است تا ما را از این نعمت عظیم غافل کنند یا با افزودن انواع خرافات و شبهات، محبان اهل بیت علیهم السلام را از بهره‌گیری از این نعمت

۱. حج، ۳۲.

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه کریمه ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ فرمودند: «نَحْنُ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا؛ به خدا قسم، ما اهل بیت، اسمای حسنی پروردگاریم؛ خدا عملی را از بندگان نمی‌پذیرد، مگر آنکه با معرفت ما باشد» (نک: محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۳ و ۱۴۴).

الهی محروم کنند. بنابراین رعایت آداب عزاداری سالار شهیدان یکی از شروط مهم دستیابی به مقصود این مجالس است.

از خدا جوییم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از فیض رب

اکنون که ما محبتان و ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام، قصد آن داریم در محیط هجمه به این امانت‌های الهی، محکم و استوار و بدون هیچ بیم انحراف، در صراط مستقیم محبت و ولایت آل الله علیهم السلام گام برداریم، چه نیکوست، آداب و مرام «ارادات ورزی» را نیز از خود آن معادن علم جویا شویم.

آیات کریمه قرآن و روایات شریف ائمه اطهار علیهم السلام در تبیین شرایط و آداب ذکر اهل بیت علیهم السلام، بهترین هدیه‌ای است که می‌توان به سالکان این راه پر بهجت و ناب تقدیم کرد.

در بیان و نگاه پرچم‌دار و مقتدای اهل ولای این عصر، یعنی حضرت روح الله قدس سره و خلف صالح و برحق ایشان، رهبر معظم انقلاب دامت‌تله، نیز آداب و تکالیف عزاداران مجلس حضرت اباعبدالله علیه السلام، شنیدنی است. در این مجموعه از رهنمودهای حکیمانه این دو عزیز، بهره‌وافر برده‌ایم.

مجلس و هیئت عزای حسینی از سه رکن سخنران، مداح و عزاداران تشکیل شده است. هرکدام از این سه، تکلیف و رسالت ویژه خود را دارند و همین‌طور برای هرکدام آسیب‌ها و شبهات جداگانه‌ای وجود دارد، از همین‌رو ما در این مجموعه آداب و وظایف هرکدام را در کتابی مستقل ویژه همان گروه گرد آورده‌ایم.

در آخر، این مجموعه را به ساحت مقدس اهل بیت هدی علیهم السلام، به‌ویژه ام‌الائمۃ‌النجباء، حضرت صدیقه کبری علیها السلام تقدیم می‌کنیم و از همه خوانندگان محترم، دعای خیر مسئلت داریم.

ملت ما قدر این مجالس را بدانند. مجالسی است که زنده نگه می‌دارد ملت‌ها را. در ایام عاشورا زیاد و زیادت‌ر و در سایر ایام هم، غیر این ایام متبرکه، هفته‌هاست و جنبش‌های این‌طوری هست. اگر بُعد سیاسی این‌ها را بفهمند، همان غریزه‌ها هم مجلس به‌پا می‌کنند و عزاداری می‌کنند، اگر چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند. من امیدوارم که هرچه بیشتر و هرچه بهتر این مجالس برپا باشد و از خطبای بزرگ تا آن نوحه‌خوان در این تأثیر دارد. [از] آنکه ایستاده پای منبر، چند شعر می‌گوید و چند شعر می‌خواند، تا آنکه در منبر است و خطیب است، این‌ها هر دو در این مسئله تأثیر دارند. تأثیر طبیعی دارند؛ گرچه خود بعضی اشخاص هم ندانند دارند چه می‌کنند: مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُ^۱

امام خمینی قدس سره

روایات

* امام صادق علیه السلام به مسمع فرمودند:

يَا مِسْمَعُ إِنَّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لَتَنْبِكِي مُنْذُ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَحْمَةً لَنَا وَ مَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرَ وَ مَا رَقَاتُ دُمُوعِ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قُتِلْنَا وَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحْمَةً اللَّهُ قَبِيلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ فَإِذَا سَالَ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ فَطْرَةَ مَنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّى لَا يَوْجَدَ لَهَا حَرٌّ وَ إِنَّ الْمَوْجَعَ قَلْبُهُ لَنَا لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرِحَةً لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرِحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضُ ...^۱

ای مسمع، همانا آسمان و زمین از روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسید، به واسطه دلسوزی و محبت، بر ما گریه می کنند و ملائکه نیز بیشتر از آن ها بر ما گریه می کنند و اشک ملائکه از روز شهادت ما (اهل بیت) [تاکنون] خشک نشده است. هیچ کس بر ما و مصائبی که به ما رسیده است، گریه نمی کند؛ مگر اینکه خداوند او را قبل از سرازیر شدن اشکش، رحمت می کند و می آمرزد. وقتی که اشک هایش بر گونه اش جاری می شود، اگر یک قطره از آن بر آتش جهنم بریزد، هرآینه حرارت و گداختگی آن را خاموش می کند؛ به طوری که اثری از حرارت و لهیب آن باقی نخواهد ماند. به درستی کسی که قلبش برای ما دردمند است، در روز وفاتش ما را ملاقات خواهد کرد و در آن حال، چنان شادی و فرحی به او دست خواهد داد که تا روزی که در کنار حوض کوثر بر ما وارد می شود، از بین نخواهد رفت.

* ششمین امام علیه السلام چنین دعا کرده اند:

رَحِمَ اللَّهُ شَيْعَتَنَا شَيْعَتَنَا وَ اللَّهُ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ فَقَدْ وَ اللَّهُ شَرَكُونَا فِي الْمُصِيبَةِ بِطُولِ الْحُزْنِ وَ الْحَسْرَةِ.^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۲.

خدا شعیبان ما را رحمت کند؛ زیرا ایشان به خدا قسم در مصیبت ما شریک اند، به واسطه طول غم و حسرت.

* امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند:

... مَا عَيْنٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَ لَا عَيْبَةٌ مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ وَ دَمَعَتْ عَلَيْهِ وَ مَا مِنْ بَاكِ يَبْكِيهِ إِلَّا وَ قَدْ وَصَلَ فَاطِمَةَ وَ أَسْعَدَهَا عَلَيْهِ وَ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ أَدَى حَقَّنَا وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يَحْشُرُ إِلَّا وَ عَيْتَاهُ بَاكِيَةٌ إِلَّا الْبَاكِيْنَ عَلَى جَدِّي الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِنَّهُ يَحْشُرُ وَ عَيْنُهُ فَرِيضَةٌ وَ الْبِشَارَةُ تَلْقَاهُ وَ السُّرُورُ بَيْنَ عَلِيٍّ وَ وَجْهِ وَ الْخَلْقُ فِي الْقَرْعِ وَ هُمْ أَمْنُونَ وَ الْخَلْقُ يَعْزُضُونَ وَ هُمْ حُدَاتُ الْحُسَيْنِ عليه السلام تَحْتَ الْعَرْشِ وَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ سُوءَ يَوْمِ الْحِسَابِ يُقَالُ لَهُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ فَيَأْتُونَ وَ يَخْتَارُونَ مَجْلِسَهُ وَ حَدِيثَهُ وَ إِنَّ الْحُورَ لَتُرْسِلُ إِلَيْهِمْ إِنَّا قَدْ اسْتَفْنَاكُمْ مَعَ الْوُلْدَانِ الْمُخْلِدينَ فَمَا يَرْفَعُونَ رُءُوسَهُمْ إِلَيْهِمْ لِمَا يَرَوْنَ فِي مَجْلِسِهِ عليه السلام مِنَ السُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ^۱

...هیچ چشمی و هیچ اشکی نزد خدا محبوبتر از چشمی نیست که بر او (امام حسین علیه السلام) گریه می کند و هیچ گریه کننده ای بر او گریه نمی کند؛ مگر اینکه با فاطمه زهرا علیها السلام تقرب و پیوند برقرار کرده و او را شادمان می کند و نیز با رسول الله صلى الله عليه وآله پیوند برقرار کرده و حق ما را ادا کرده باشد. هیچ بنده ای محشور نمی شود؛ مگر اینکه چشمانش گریان باشد، به جز گریه کنندگان بر جدم، حسین علیه السلام [که اینها در محشر گریان نیستند]. آنان درحالی محشور می شوند که چشمانشان روشن است و بشارتی به آنها داده می شود و شادی از صورتشان نمایان است. تمام خلائق در هول و هراس و در معرض حساب اند؛ اما آنها در امان اند و زیر عرش، هم صحبت حسین علیه السلام هستند و در سایه عرش، از بدی روز حساب بیمناک نیستند. به آنها گفته می شود که وارد بهشت شوید. [اما آنان] ابا می کنند و هم نشینی و هم صحبتی با او (امام حسین علیه السلام) را ترجیح می دهند؛ سپس حوریان و غلامان بهشتی نزدشان فرستاده می شوند

و [به آن‌ها می‌گویند] که ما مشتاق شمایم؛ [اما ایشان] حتی سرهایشان را برای [دیدن] آن‌ها بلند نمی‌کنند؛ به‌خاطر شادی و سروری که از مجالست با حسین علیه السلام درک کرده و چشیده‌اند.

۱. فلسفه وجودی عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام

امام خسروان الله علیه یحییٰ: یک مطلبی هم که بین همه ما باید باشد، این است که این نکته را به مردم بفهمانیم: همه‌اش قضیه این نیست که ما می‌خواهیم ثواب ببریم... باید این نکته هم به مردم گفته بشود، تذکر داده بشود که آقا قضیه روضه‌خوانی، قضیه این نیست که من یک چیزی بگویم و یکی هم گریه کند.^۱

از بزرگواران الله تعالی بیان مصائب و مرثی حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام، یعنی ارائه‌الگوی به مردم، برای کیفیت بخشیدن به حرکت در راه هدف‌های بزرگ.^۲

۱-۱. حفظ و احیای اسلام

امام خسروان الله علیه یحییٰ: مجالس عزاباید باشد و اهل منبر باید این شهادت امام حسین (سلام الله علیه) را زنده نگه دارند و ملت باید با همه قدرت، این شعائر اسلامی را، خصوصاً این [مجالس] را زنده نگه دارند. با زنده نگه داشتن او، اسلام زنده می‌شود. «أنا من حسین»^۳ که روایت شده است که پیغمبر فرموده است، این معنایش، معنا این است که حسین مال من است و من هم از او زنده می‌شوم. از او [زنده] شده است. این همه برکات از شهادت ایشان است. با اینکه دشمن می‌خواست آثار را از بین ببرد. آن‌ها درصدد بودند که اصل بنی‌هاشمی در کار نباشد. «لَعِبْتُ هَاشِمًا بِالْكَدِّ»^۴ این حرف بود.

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۷۱، ۱۷ تیر ۱۳۵۸.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱.

۴. اشاره به اشعاری که یزید (لعنت الله علیه) وقتی در مجلس خود، با چوب بر لبان مطهر امام حسین علیه السلام می‌زد، آن را می‌خواند: «لَعِبْتُ هَاشِمًا بِالْمَلِكِ فَأَلَا...» (احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲).

آن‌ها می‌خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند و این کارشان اسباب این شد که عرب و عجم و همه، همهٔ مسلمین توجه پیدا کردند که نه، قضیه، قضیهٔ عربیت و عجمیت و فارسیت و این‌ها نیست، قضیهٔ خدا و اسلام است. این مجالس را حفظ کنید. همهٔ مجالسی که اجتماعات دینی هست، اجتماعات اسلامی هست، این‌ها اسلام را در قلوب ما زنده نگه می‌دارد. جماعات را حفظ کنید. جمعه را حفظ کنید. اعیاد اسلامی را، شعائری که در آن هست، حفظ کنید و مجالس عزارا با همان شکوهی که پیش‌تر انجام می‌گرفت و بیشتر از او حفظ کنید.^۱

امام خمینی رضوان الله علیه: باید ماها و شماها... خصوصاً در این ماه محرم و صفر که ماه برکات اسلامی است و ماه زنده‌ماندن اسلام است، باید ماه محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام، که با ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام زنده مانده است این مذهب تا حالا. با همان وضع سنتی، با همان وضع مرثیه‌سرایی و روضه‌خوانی. شیاطین به گوش شما نگویند که ما انقلاب کردیم، حالا باید همان مسائل انقلاب را بگوییم و مسائل که در سابق بود، حالا دیگر منسی باید بشود،^۲ خیر!

امام خمینی رضوان الله علیه: ماه محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می‌افتند [باشیم]. تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند.^۳

امام خمینی رضوان الله علیه: روضهٔ سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهدا است. آن کسانی که می‌گویند روضهٔ سیدالشهدا را نخوانید، اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه. نمی‌دانند این گریه‌ها و این روضه‌ها، حفظ کرده این مکتب را. الان ۱۴۰۰ سال است که با این منبرها، با این روضه‌ها و با این مصیبت‌ها و با این

ص ۳۰۷.

۱. صحیفهٔ نور، ج ۱۳، ص ۱۵۸، ۱۴ آبان ۱۳۵۹.

۲. به فراموشی سپرده شود.

۳. صحیفهٔ نور، ج ۱۵، ص ۲۰۳، ۴ آبان ۱۳۶۰.

سینه‌زنی‌ها، ما را حفظ کرده‌اند. تا حالا آورده‌اند اسلام را... این نقش، یک نقشی است که اسلام را همیشه زنده نگه داشته. آن گلی است که هی آب به آن می‌دهند. زنده نگه داشته، این گریه‌ها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را، این ذکر مصیبت‌ها زنده نگه داشته [است] مکتب سیدالشهدا را.^۱

۱-۲. زنده نگه داشتن نهضت حسینی

اما ^{رضوان الله علیه} گریه کردن بر شهید، زنده نگه داشتن نهضت است. اینکه در روایت هست که کسی که گریه بکند یا بگریاند یا به صورت گریه‌دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است.^۲ این برای این است که حتی آنی که ... یک حال حزن به خودش می‌دهد و صورت گریه‌دار به خودش می‌دهد، این نهضت را دارد حفظ می‌کند. این نهضت امام حسین (سلام الله علیه) را حفظ می‌کند. ملت ما را «این مجالس» حفظ کرده [است].^۳

اما ^{رضوان الله علیه} حالا یک دسته‌ای آمدند می‌گویند که نه، دیگر روضه نخوانید! نمی‌فهمند این‌ها که روضه یعنی چه؛ این‌ها ماهیت این عزاداری را نمی‌دانند چیست. نمی‌دانند که این نهضت امام حسین [که] آمده تا اینجا، تا این نهضت [انقلاب اسلامی] را درست کرده، این [یک] تابع، این یک شعاعی است از آن نهضت. نمی‌دانند که گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن همین معنا [است] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد. دستور است این، دستور عمل امام حسین (سلام الله علیه). دستور است برای همه. «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ اَرْضٍ

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۳، ۴ آبان ۱۳۶۰.

۲. از ائمه اطهار ^{علیهم السلام} روایت شده است: «مَنْ بَكَى أَوْ أَبَكَى غَيْرَهُ وَ لَوْ وَاحِدًا ضَمْنَا لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ وَ مَنْ لَمْ يَتَأْتِ لَهُ الْبُكَاءَ قَتْبًا كَيْ فَلهِ الْجَنَّةُ؛ هر کس بگرید یا کسی را بگریاند؛ حتی یک نفر را، پیش خدا بهشت را برای او ضمانت می‌کنم و کسی که اشکش جاری نمی‌شود؛ پس خود را به حالت گریه درآورد، بهشت برای اوست» (ابن نماحلی، مثير الأخران، ص ۱۴).

۳. صحیفه نور، ج ۱۰، ۳۰ مهر ۱۳۵۸.

گربلا» دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را.^۱

اما خمینی رضوان الله علیه: یک مطلبی هم که بین همه ما باید باشد، این است که این نکته را به مردم بفهمانیم: همه‌اش قضیه این نیست که ما می‌خواهیم ثواب ببریم. قضیه این است که ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم. سیدالشهدا هم که کشته شد، نه‌اینکه رفتند یک ثوابی ببرند. ثواب برای او خیلی مطرح نبود. آن‌طور رفت که این مکتب را نجاتش بدهد. اسلام را پیشرفت بدهد. اسلام را زنده کند. شما هم که دارید نوحه‌خوانی می‌کنید، حرف می‌زنید، خطبه می‌خوانید، نوحه می‌خوانید، مردم را به گریه وادار می‌کنید، مردم هم که گریه می‌کنند، همه روی این مقصد باشد که این اسلام را ما می‌خواهیم با همین هیاهو حفظش کنیم. با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه‌خوانی، با این شعرخوانی، با این نثرخوانی ما می‌خواهیم این مکتب را حفظ کنیم؛ چنانچه تا حالا هم حفظ شده [است]. باید این نکته هم به مردم گفته بشود، تذکر داده بشود که آقا قضیه روضه‌خوانی، قضیه این نیست که من یک چیزی بگویم و یکی هم گریه کند. قضیه این است که با گریه، حفظ شده است این [مکتب]. با گریه این حفظ شده [است]؛ حتی تباکی هم ثواب دارد.^۲ خوب تباکی چرا ثواب دارد؟ برای اینکه تباکی کمک می‌کند به این مکتب. این‌ها اشتباه است که این‌ها یک طرف قضیه را می‌بینند، یک طرف قضیه را نمی‌بینند و مع‌الأسف ما، یعنی اسلام، همیشه مبتلا بوده به این یک‌طرف دیدن‌ها، همیشه مبتلا بوده [است].^۳

۱-۳. مقابله با ظلم ستمکاران

اما خمینی رضوان الله علیه: بسیدالشهدا (سلام الله علیه)... همه جوانان خودش را، همه مال و منال، هرچه

۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ۳۰ مهر ۱۳۵۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸.

۳. صحیفه نور، ج ۸، ص ۷۱، ۱۷ تیر ۱۳۵۸.

بود، هرچه داشت، مال و منال که نداشت، هرچه داشت: جوان داشت، اصحاب داشت، در راه خدا داد و برای تقویت اسلام [و] مخالفت با ظلم، قیام کرد. مخالف با امپراتوری آن روز که از امپراتوری‌های اینجا زیادتر بود. قیام کرد در مقابل او، با یک عده قلیل و با این عده قلیل، در عین حالی که شهید شد، غلبه کرد. غلبه کرد بر این دستگاه ظلم و شکست داد آن‌ها را. ما که دنبال او هستیم و از آن وقت، به امر حضرت صادق (سلام‌الله‌علیه) و به سفارش ائمه هدی علیهم‌السلام، ما به‌پا می‌کنیم این مجالس عزارا. ما همان مسئله را داریم می‌گوییم. مقابل ظلم است، مقابل ظلم ستمکاران. ما زنده نگه داشتیم. خطبای ما زنده نگه داشتند قضیه کربلا را و زنده نگه داشتند قضیه مقابله یک دسته، یک دسته کوچک، اما با ایمان بزرگ، در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ.^۱

اما غم‌خیزی: رضوان‌الله‌علیه بیخود نبود که رضاخان، مأمورین ساواک رضاخان، تمام مجالس عزارا غدغن کردند. این همین طوری نبود! رضاخان همچو نبود که [از] اصل، مخالف با این مسائل بشود. رضاخان مأمور بود. مأمور بود به اینکه آن‌هایی که کارشناس بودند، آن‌هایی که ملتفت بودند مسائل را، دشمن‌های ما که مطالعه کرده بودند در حال ملت‌ها و مطالعه کرده بودند در حال ملت شیعه، می‌دیدند آن‌ها که تا این مجالس هست و تا این نوحه‌سرای‌های بر مظلوم هست و تا آن افشاگری ظالم هست، نمی‌توانند برسند به مقاصد خودشان. زمان رضاخان غدغن کردند، به طوری که تمام مجالس در ایران غدغن شد. کارهای خودشان را انجام دادند. دست اهل‌منبر را، دست علما را بستند و نگذاشتند که این‌ها تبلیغات خودشان را بکنند و آن‌ها تبلیغات را از آن طرف شروع کردند و ما را به عقب راندند و تمام مخازن ما را به چپاول بردند.^۲

امام حسین (سلام‌الله‌علیه) با عده کم، همه‌چیزش را فدای اسلام کرد. مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت. هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند و این مجالسی که هست، مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ

۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ۳۰ مهر ۱۳۵۸.

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ۳۰ مهر ۱۳۵۸.

بدارد.^۱

بچه‌ها و جوان‌های ما خیال نکنند که مسئله، مسئله «ملتِ گریه» است. این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید ملتِ گریه. آن‌ها از همین گریه‌ها می‌ترسند. برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است. فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند، مقابل ظالم هستند. قیام کرده‌اند. این‌ها را باید حفظ کنید. این‌ها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. این‌ها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازی‌تان ندهند این قلم‌فرسها. بازی‌تان ندهند این اشخاصی که با اسمای مختلفه و با مرام‌های انحرافی، می‌خواهند همه‌چیز را از دستتان بگیرند و این‌ها می‌بینند که این مجالس، مجالس روضه، ذکر مصائب مظلوم و ذکر جنایات ظالم، در هر عصری مقابل ظالم قرار می‌دهد. این‌ها ملتفت نیستند که این‌ها خدمت دارند می‌کنند به این کشور، خدمت دارند می‌کنند به اسلام.^۲

۲. تاریخچه عزای اهل بیت علیهم السلام

۲-۱. ذکر مصیبت جبرئیل برای حضرت آدم علیه السلام

* صاحب تفسیر الدرّ الثمین، در تفسیر سخن حق تعالی که می‌فرماید: ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ...﴾^۳ روایت کرده است:

أَنَّهُ رَأَىٰ سَاقَ الْعُرْشِ وَ أَسْمَاءَ النَّبِيِّ وَ الْأَيْمَةَ علیهم السلام فَلَقَنَهُ جِبْرَائِيلُ قُلْ يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَالِي بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِمَةَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مِنْكَ الْإِحْسَانُ فَلَمَّا ذَكَرَ الْحُسَيْنَ سَأَلَتْ دُمُوعُهُ وَ انْخَسَعَ قَلْبُهُ وَ قَالَ يَا أَحْيَىٰ جِبْرَائِيلُ فِي ذِكْرِ الْخَامِسِ يُنْكَسِرُ قَلْبِي وَ تَسِيلُ عَبْرَتِي قَالَ جِبْرَائِيلُ

۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ۳۰ مهر ۱۳۵۸.

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ۳۰ مهر ۱۳۵۸.

۳. بقره، ۳۷.

وَلَدُكَ هَذَا يَصَابُ بِمُصِيبَةٍ تَصُعُرُ عِنْدَهَا الْمَصَائِبُ فَقَالَ يَا أَخِي وَ مَا هِيَ قَالَ
يَقْتُلُ عَطْشَانًا غَرِيبًا وَجِيدًا فَرِيدًا لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ وَ لَا مُعِينٌ وَ لَوْ تَرَاهُ يَا أَدَمُ وَ هُوَ
يَقُولُ وَآ عَطْشَاهُ وَآ قَلَّةُ نَاصِرَاهُ حَتَّى يَحُولَ الْعَطْشُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ السَّمَاءِ كَالدُّخَانِ
فَلَمْ يَجِبْهُ أَحَدٌ إِلَّا بِالسُّيُوفِ وَ شَرِبَ الْحُتُوفِ فَيَذِخُ ذَبْحَ الشَّاةِ مِنْ قَفَاهُ وَ يَنْهَبُ
رَحْلَهُ أَغْدَاؤُهُ وَ تُشَهَّرُ رُءُوسُهُمْ هُوَ وَ أَنْصَارُهُ فِي الْبُلْدَانِ وَ مَعَهُمُ النَّسْوَانُ كَذَلِكَ
سَقَى فِي عِلْمِ الْوَاحِدِ الْمَنَانِ فَبَكَى أَدَمُ وَ جَبْرئِيلُ بُكَاءَ التَّكْلِی.^۱

آدم علیه السلام در ساق عرش الهی، نام پیامبر و ائمه علیهم السلام را دید و جبرئیل علیه السلام به او
یاد داد که ابن چنین بگوید: «یا حَمِيدٌ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ یا عَالِیُّ بِحَقِّ عَلِیِّ یا فَاطِئُ
بِحَقِّ فَاطِمَةَ یا مُحْسِنٌ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مِنْكَ الْإِحْسَانُ». هنگامی که
نام حسین علیه السلام را بر زبان آورد، اشک هایش جاری و قلبش خاشع شد و گفت:
«ای برادرم جبرئیل، در هنگام یاد پنجمین [نفر]، دلم می شکند و اشکم جاری
می شود!» جبرئیل علیه السلام به او خبر داد که این فرزندش دچار مصیبتی می شود
که مصائب [دیگر] نزد آن کوچک هستند. آدم علیه السلام از چگونگی آن مصیبت
پرسید. جبرئیل علیه السلام گفت: «درحالی که تشنه لب، غریب، تنها و بی کس مانده
است و هیچ یار و یآوری ندارد، کشته می شود. ای آدم، کاش می دیدی او را
درحالی که می گوید: 'وای از تشنگی! وای از کمی یاور [و ناصر]!' تا جایی که
تشنگی میان او و آسمان، همانند دود حائل می شود. هیچ کس جز با شمشیر
و چشاندن مرگ، جواب او را نمی دهد. همانند گوسفند از قفا ذبح می شود و
دشمنان اموال او را غارت می کنند و سر او و یارانش را به همراه زنان ایشان
در میان شهرها می گردانند. [خبر] این واقعه، از پیش در علم یکتای مَنان
آمده است.» سپس آدم علیه السلام و جبرئیل علیه السلام گریه کردند، همانند گریه زنی که
فرزندش را از دست داده است.

۲-۲. عزاداری حضرت ابراهیم علیه السلام در مصیبت امام حسین علیه السلام

* از حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است:

لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَتْبَشِ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَنَّى إِبْرَاهِيمُ أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَتْبَشِ مَكَانَهُ لِيَرْجِعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرْجِعُ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَعْرَؤُ وَ لِدُهُ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ النَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسِكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي قَالَ فَوَلَدُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وَلَدُكَ قَالَ بَلْ وَ لِدُهُ قَالَ فَذَبِّحْ وَ لِدَهُ طُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعِّ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَبِّحْ وَ لِدَكَ بِيَدِكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ ذَبِّحْهُ عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعِّ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ سَتَفْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ طُلْمًا وَ عُدُونَا كَمَا يَذْبَحُ الْكَتْبَشُ وَ يَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزَعِ إِبْرَاهِيمُ لِدَلِكِ وَ تَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَ أَقْبَلَ يَبْكِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتَ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ ذَبَّحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ قَتَلْتَهُ وَ أَوْجَبْتُ لَكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ النَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴾^۱

هنگامی که خداوند متعال، به ابراهیم علیه السلام امر فرمود به جای پسرش اسماعیل، گوسفندی را که برایش فرستاده بود، ذبح کند، ابراهیم آرزو کرد... کاش می توانست درد و رنج پدری که به دست خود، عزیزترین فرزندانش را [برای خدا] قربانی می کند، درک کند تا استحقاق برترین درجه ثواب «صبر بر مصائب» را کسب کند.

در این هنگام، خداوند به او وحی کرد: «ای ابراهیم، محبوبترین خلق من

۱ . محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته الله)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۲۵.

نزد تو کیست؟» فرمود: «خداوندا، هیچ آفریده‌ای نزد من از حیبت، حضرت محمد ﷺ محبوب‌تر نیست.»

خداوند به وی فرمود: «او برایت محبوب‌تر است یا خودت؟» گفت: «او برایم از خودم محبوب‌تر است.» خطاب رسید: «پسر او برایت محبوب‌تر است یا پسر خودت؟» پاسخ داد: «پسر او.» خطاب رسید: «آیا ذبح فرزند او از روی ظلم و به‌دست دشمنان، برای تو دردناک‌تر است یا ذبح فرزند خودت، به‌دست خودت و برای اطاعت من؟» فرمود: «ذبح فرزند او به‌دست دشمنانش برایم دردناک‌تر است.» خداوند فرمود: «ای ابراهیم، گروهی که خود را از امت حضرت محمد ﷺ می‌خوانند، بعد از او فرزندش را ظالمانه به قتل خواهند رساند؛ همان‌گونه که پیش‌تر اس‌ر می‌برند! آن‌ها به این وسیله، مستحق عذاب و خشم خواهند شد.» ابراهیم علیه السلام بسیار بی‌تاب شد و قلبش به درد آمد و گریست؛ آنگاه خداوند فرمود: «ای ابراهیم، جزعِ تو را برای قتل حسین، جانشینِ بی‌تابیِ تو برای ذبح فرزندت کردم و بدین‌وسیله برایت برترین درجهٔ ثواب صبر بر مصائب را در نظر گرفتم.»

از این رو است که خداوند تعالی فرموده است: ﴿وَقَدِیْنَاهُ بِذِیْحٍ عَظِیْمٍ﴾؛^۱ و ما به‌جای او «قربانی عظیم» را فدا کردیم.

۲-۳. ذکر عظمت مصیبت امام حسین علیه السلام در گفت‌وگوی خدای متعال با موسای کلیم علیه السلام

* در حدیث مناجات، چنین آمده است:

مُوسَى علیه السلام وَ قَدْ قَالَ يَا رَبِّ لِمَ فَضَّلْتَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَضَّلْتُهُمْ لِعَشْرِ خِصَالٍ قَالَ مُوسَى وَمَا تِلْكَ الْخِصَالُ الَّتِي يَعْملُونَهَا حَتَّى أَمَرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِعَمَلِهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى الصَّلَاةُ وَ الزَّكَاةُ وَ الصَّوْمُ وَ الْحَجُّ وَ الْجِهَادُ وَ الْجَمْعَةُ وَ الْجَمَاعَةُ وَ الْقُرْآنُ وَ الْعِلْمُ وَ الْعَاشُورَاءُ قَالَ مُوسَى علیه السلام يَا رَبِّ

۱. «و ما به‌جای او، قربانی عظیم را فدا کردیم» (صافات، ۱۰۷).

وَمَا الْعَاشُورَاءُ قَالِ الْبُكَاءُ وَ التَّبَاكِي عَلَى سِبْطِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ الْمَرْثِيَّةُ وَ الْعَزَاءُ عَلَى مُصِيبَةِ وُلْدِ الْمُصْطَفَى يَا مُوسَى مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بَكَى أَوْ تَبَاكَى وَ تَعَزَّى عَلَى وُلْدِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا وَ كَانَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ثَابِتًا فِيهَا وَ مَا مِنْ عَبْدٍ أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ فِي مَحَبَّةِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِ طَعَامًا وَ غَيْرَ ذَلِكَ دِرْهَمًا إِلَّا وَ بَارَكْتُ لَهُ فِي الدَّارِ الدُّنْيَا الدَّرْهَمَ بِسَبْعِينَ دِرْهَمًا وَ كَانَ مُعَافَاً فِي الْجَنَّةِ وَ غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ عَزَّيْتُ وَ جَلَّالِي مَا مِنْ رَجُلٍ أَوْ امْرَأَةٍ سَأَلَ دَمْعَ عَيْنِيهِ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ غَيْرِهِ قَطْرَةً وَاحِدَةً إِلَّا وَ كُتِبَ لَهُ أَجْرٌ مِائَةِ شَهِيدٍ.^۱

حضرت موسی علیه السلام عرضه می‌دارد: «پروردگارا، از چه رو امت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر دیگر امت‌ها برتری دادی؟» خداوند متعال می‌فرماید: «آن‌ها را به خاطر ده خصلت برتری دادم.» موسی علیه السلام می‌پرسد: «آن خصلت‌ها که به آن عمل می‌کنند، کدام‌اند؟ [به من یاد بده] تا به بنی اسرائیل فرمان دهم به آن‌ها عمل کنند.» خداوند متعال می‌فرماید: «نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و نماز جمعه و نماز جماعت و قرآن و علم و عاشورا.» موسی علیه السلام می‌پرسد: «پروردگارا، عاشورا چیست؟» می‌فرماید: «گریه‌کردن و گریاندن بر سبب^۲ محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مرثیه و عزاداری برای مصیبت فرزندان مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ای موسی، هیچ بنده‌ای از بندگان من در آن زمان بر فرزندان مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گریه نکند و نگراند و عزادار نشود؛ مگر اینکه بهشت از آن او خواهد بود و در بهشت ماندگار خواهد بود و هیچ بنده‌ای یک درهم از مال خود را به خاطر محبت فرزند دختر پیامبرش، به صورت اطعام یا کار دیگری انفاق نکند؛ مگر اینکه در سرای دنیا در برابر هر درهم، هفتاد درهم برکت دهم و در بهشت در عاقبت خواهد بود و گناهانش آمرزیده می‌شود. به عزت و جلالم قسم، هیچ مرد و زنی یک قطره اشک از چشمانش در روز عاشورا و روزهای دیگر جاری نمی‌شود؛ مگر اینکه اجر صد شهید برایش نوشته خواهد شد.»

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۹.

۲. نوه دختری.

۲-۴. ذکر مصیبت رسول الله ﷺ

* از امام ششم علیه السلام چنین نقل شده است:

نَظَرَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ هُوَ مُقْبِلٌ فَأَجْلَسَهُ فِي جِجْرِهِ وَ قَالَ
 إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَاةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا ثُمَّ قَالَ عليه السلام يَا بَيْتِ قَتِيلِ
 كُلِّ عَبْرَةٍ قَيْلٍ وَ مَا قَتِيلُ كُلِّ عَبْرَةٍ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى. ١
 امام حسین علیه السلام به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آمد. حضرت به استقبالش شتافت و
 او را در دامان خویش نشانند و فرمود: «همانا به خاطر کشته شدن حسین علیه السلام،
 در دل های مؤمنان حرارتی است که هرگز سرد نخواهد شد.»

امام صادق علیه السلام پس از نقل این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند:

يَا بَيْتِ قَتِيلِ كُلِّ عَبْرَةٍ. لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى.
 پدرم فدای کسی که کشته اشک های جاری است.

گفتند: «ای فرزند رسول الله، کشته هر اشک روان یعنی چه؟!» حضرت پاسخ دادند:

لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى. ٢

هیچ مؤمنی او را یاد نمی کند؛ مگر اینکه اشکش جاری خواهد شد.

* امام علی علیه السلام خطاب به رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَتُحِبُّ عَقِيلًا قَالَ إِي وَ اللَّهُ إِنْ لِي لَأَحِبُّهُ حُبِّينِ حُبًّا لَهُ وَ حُبًّا لِحَبِّ
 أَبِي طَالِبٍ لَهُ وَ إِنْ وَلَدَهُ لَمَقْتُولٌ فِي مَحَبَّةٍ وَ لِيكَ فَتَدْمَعُ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ
 وَ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ حَتَّى جَرَّتْ دُمُوعُهُ عَلَى
 صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مَا تَلَقَى عَيْتَرَتِي مِنْ بَعْدِي. ٣

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸، به نقل از: محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ

صدوق رحمته الله)، الأمالی.

«ای رسول خدا! آیا تو عقیل را دوست داری؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آری، به خدا سوگند که او را به دو دلیل دوست دارم؛ یکی به خاطر خودش و دیگری به خاطر اینکه ابوطالب او را دوست داشت. همانا فرزند او [مسلم بن عقیل] در راه محبت فرزند تو کشته می شود و چشمان مؤمنان بر او اشک بار خواهد شد و ملائکه مقرب بر او نماز خواهند گذارد.»

سپس رسول خدا گریه کردند؛ تاجایی که اشک هایشان بر سینه جاری شد و فرمودند: «از آنچه بعد از من، بر سر عترتم می آید، به خدا شکایت می کنم.»

۲-۵. پیشگویی و گریه امیرالمؤمنین علیه السلام در زمین کربلا

* امام باقر علیه السلام روایت کرده اند:

مَرَّ عَلَيَّ بَكْرَبَلَا فِي اثْنَيْنِ مِنْ أَصْحَابِهِ قَالَ فَلَمَّا مَرَّ بِهَا تَوَقَّرَتْ عَيْنَاهُ لِلْبُكَاءِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مَنَاخُ رِكَابِهِمْ وَ هَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ وَ هِيَهُنَا تُهْرَاقُ دِمَاؤُهُمْ طُوبَى لَكَ مِنْ تُرْبَةٍ عَلَيْكَ تُهْرَاقُ دِمَاءَ الْاِحْيَاءِ^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام با دو تن از یارانشان از کربلا گذر می کردند. هنگام عبور از آنجا، چشم های حضرت، اشک آلود شد. سپس فرمودند: «اینجا مرکب هایشان بر زمین می خوابد،... اینجا محل بارافکندشان است،... اینجا خون هایشان ریخته می شود. خوشا به حال تو، ای خاکی که خون دوستان بر روی تو ریخته می شود!»

۲-۶. ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام توسط پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و گریه

حضرت زهرا علیها السلام

* روایت شده است زمانی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام، از شهادت فرزندش امام حسین علیه السلام و رنج های آن حضرت خبر دادند، فاطمه علیها السلام به شدت گریستند و

عرض کردند: «ای پدر! این [حادثه] چه زمانی رخ می‌دهد؟» پیامبر ﷺ فرمودند: «در زمانی که من و تو و علی نیستیم.»

گریه حضرت زهرا علیها السلام شدت گرفت و عرض کردند: «ای پدر! پس چه کسی بر او گریه خواهد کرد و چه کسی عهده‌دار اقامه عزای او خواهد شد؟» رسول خدا ﷺ این‌گونه پاسخ دادند:

يَا فَاطِمَةُ إِنَّ نِسَاءَ أُمَّتِي يَبْكُونَ عَلَيَّ نِسَاءَ أَهْلِ بَيْتِي وَرِجَالُهُمْ يَبْكُونَ عَلَيَّ رِجَالِ أَهْلِ بَيْتِي وَبِجَدِّدُونَ الْعُرَاءَ جَيْلًا بَعْدَ جَيْلٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَإِذَا كَانَ الْقِيَامَةُ تَشْفَعِينَ أَنْتِ لِلنِّسَاءِ وَأَنَا أَشْفَعُ لِلرِّجَالِ وَكُلُّ مَنْ بَكَى مِنْهُمْ عَلَيَّ مُصَابِ الْحُسَيْنِ أَخَذْنَا بِيَدِهِ وَادْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ يَا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنُ بَكْتٍ عَلَيَّ مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ.^۱

ای فاطمه، به درستی که زنان امت من بر زنان اهل بیت من و مردانشان بر مردان اهل بیت من گریه خواهند کرد و هر سال، نسل اندر نسل، عزای او را تجدید می‌کنند و آن را زنده نگه می‌دارند؛ پس در قیامت، تو زنان آنان و من مردانشان را شفاعت می‌کنم و دست هرکس را که بر مصیبت‌های حسین گریه کند، می‌گیریم و وارد بهشت می‌کنیم. ای فاطمه، همه چشم‌ها روز قیامت گریان هستند، مگر چشم‌هایی که بر مصیبت‌های حسین، گریسته‌اند؛ پس صاحب این چشم‌ها در آن روز خندان است و به نعمت‌های بهشتی بشارت داده می‌شود.

۲-۷. ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام توسط حضرت زینب کبری علیها السلام

در کربلا

ربیع‌الاول منقطع: این [ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام] همان چشمه جوشانی است که از ظهر روز عاشورا شروع شد. از همان وقتی که زینب کبری علیها السلام، طبق نقلی که شده

است، بالای «تَلَّ زینبیه» رفت و خطاب به پیغمبر عرض کرد: «وا محمداه، صلی علیک ملیک السماء هذا حسینک مرمل بالدماء مقطّع الاعضاء مسلوب العمامة و الرداء...»^۱ او خواندن روضه امام حسین علیه السلام را شروع کرد و ماجرا را با صدای بلند گفت. ماجرای که می‌خواستند مکتوم بماند. خواهر بزرگوار امام، چه در کربلا، چه در کوفه و چه در شام و مدینه، با صدای بلند به بیان حادثه عاشورا پرداخت. این چشمه، از همان روز شروع به جوشیدن کرد و تا امروز، همچنان جوشان است. این حادثه عاشورا است.^۲

۲-۸. ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام از زبان امام سجاد علیه السلام

* امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَبَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام عِشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً مَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِيَّ وَ حُرْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِنِّي لَمْ أَذْكَرْ مَصْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي لِذَلِكَ عَبْرَةٌ.^۳

علی بن الحسین علیهما السلام بیست یا چهل سال بر مصیبت امام حسین علیه السلام گریه کردند و هر غذایی مقابل ایشان قرار می‌دادند؛ حضرت گریه می‌کردند؛ تاجایی که یکی از خادمانشان گفت: «جانم به فدایت ای پسر رسول خدا! می‌ترسم که [از شدت گریه] هلاک شوید.» امام سجاد علیه السلام فرمودند: «از شدت حزن و غم خود، به خدا شکایت می‌کنم؛ [چراکه من] از سوی خداوند چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. هیچ‌گاه کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السلام را

۱. «وا محمداه، صلوات فرشتگان آسمان همواره بر تو باد! این [پیگر] حسین توست که در خون غلتیده و اعضایش از هم جدا شده و ردا و عمامه‌اش به غارت رفته است...» (نک: اللّهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۳۳).

۲. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۳. جمع‌بن محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۰۷.

به خاطر نمی‌آورم؛ مگر اینکه بغض و اشک، راه گلوی مرا می‌بندد.»

* امام سجاد علیه السلام زیر سایبانی، در حال سجود، گریه می‌کردند. در این حال، غلامی نزد حضرت آمد و گفت: «ای علی بن حسین، آیا وقت آن نرسیده است که حزن و اندوه شما به پایان برسد؟» حضرت سرشان را بلند کردند و با خشم به او فرمودند:

وَبَلِّكَ أَوْ تَكَلِّتْكَ أُمُّكَ وَاللَّهِ لَقَدْ شَكَا يَعْقُوبُ إِلَى رَبِّهِ فِي أَقَلِّ مِمَّا زَأَيْتَ جِبْنَ
قَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يَوْسَفَ وَإِنَّهُ فَقَدَ ابْنًا وَاجِدًا وَإِنِّي زَأَيْتُ أَبِي وَجَمَاعَةَ أَهْلِ بَيْتِي
يَذُبُّونَ حَوْلِي...^۱

وای بر تو! به خدا قسم، یعقوب نبی نزد خدا درباره چیزی بسیار کمتر از آنچه من دیده‌ام، شکایت می‌کرد و می‌گفت: «واسفا بر فراق یوسف!» درحالی که یعقوب فقط یکی از پسرانش را گم کرده بود؛ ولی من صحنه ذبح شدن پدر و گروهی از اهل بیتم را در برابر خود، دیدم.

۲-۹. وصیت امام محمد باقر علیه السلام به اقامه عزرا

امام حسین علیه السلام حضرت باقر (سلام الله علیه) وقتی که می‌خواستند فوت کنند، وصیت کردند که ده سال، ظاهراً که در منا، اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه‌ای است؟ حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر می‌خواست چه کند گریه را؟ آن وقت هم در منا چرا؟ ایام حج و منا! این همین نقطه اساسی، سیاسی، روانی، انسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم می‌آیند، می‌گویند: «چه خبر است؟ چیست؟» می‌گویند: «این این طور بود.» این توجه می‌دهد نفوس مردم را به این مکتب و ظالم را منهدم می‌کند و مظلوم را قوی می‌کند. ما جوان‌ها دادیم. کربلا جوان‌ها داده است. ما این را باید حفظ کنیم. این نمی‌شود این طور باشد، شما خیال بکنید که گریه است، خیر گریه نیست. یک مسئله سیاسی، روانی، اجتماعی است.^۲

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۱۰.

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۷، ۲۹، ۱۳۵۸.

۲-۱۰. امر امام صادق علیه السلام به اقامه عزاداری

امام حسین بن علی رضوان الله علیه: مجالس عزا از آن وقت به امر حضرت صادق علیه السلام و به سفارش ائمه هدی علیهم السلام، ما به پا می کنیم این مجالس عزا را.^۱

آن روزی که این روایات صادر شده است، روزی بوده است که این فرقه ناجیه^۲ مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت کمی، در مقابل قدرت‌های بزرگ در آن وقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی، این اقلیت یک راهی درست کردند که این راه، خودش سازمانده است و آن، نقل از منابع وحی [است] به اینکه برای این مجالس این قدر عظمت هست و برای این اشک‌ها، آن قدر در دور و بر این اشک‌ها و عزاداری‌ها، شیعیان با اقلیت آن وقت اجتماع می کردند و شاید بسیاری از آن‌ها هم نمی دانستند مطلب چه هست؛ ولی مطلب، سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت‌ها [بود].^۳

* از این خارجه نقل شده است که نزد امام صادق علیه السلام بودند و یادی از امام حسین علیه السلام شد که سلام خدا بر او باد و لعنت خدا بر قاتلش. امام صادق علیه السلام [به یاد امام حسین علیه السلام] گریه کردند و دیگران نیز گریه کردند؛ سپس حضرت سرشان را بالا آوردند و فرمودند:
قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَا قَبِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذُكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى.^۴
حسین بن علی علیه السلام فرموده است: «من کشته اشک‌ها (بغض‌ها) هستم. هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند؛ مگر اینکه بر من می گرید.»

۲-۱۱. عزاداری در دوران معاصر

امام حسین بن علی رضوان الله علیه: در طول تاریخ، این مجالس عزا که یک سازماندهی سرتاسری [در]

۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ۳۰ مهر ۱۳۵۸.

۲. منظور، شیعه است.

۳. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

۴. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۲.

کشورها هست، [در] کشورهای اسلامی هست و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه هست، در مقابل حکومت‌هایی که پیش می‌آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آن‌ها، آن‌ها را می‌ترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود.^۱

رَبِّعَظَمَاءَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ: عزاداری‌های امروز شما از عزاداری‌های دوران جوانی بنده، خیلی بهتر و پرشورتر است. این همان زنده‌شدن بیش‌ازپیش است و همین‌طور دارد فضایش می‌آید؛ ولی باید برکاتش هم سرازیر شود.^۲

۳. جایگاه توسل و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام

رَبِّعَظَمَاءَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ: این توسل‌ها خیلی قیمت دارد. این گوهر محبت اهل‌بیت، به‌خصوص فاطمه زهرا علیها‌السلام که میان همه این خاندان باعظمت، عزیز است، خیلی ارزش دارد.^۳
رَبِّعَظَمَاءَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ: قدر این ارتباط و اتصال قلبی و پیوند معنوی را باید بدانیم. پشتوانه ایمان ماست. گوهر ارزنده‌ای است که تشکیل‌دهنده هویت انسانی و اسلامی ماست. محبت را روزه‌روز بین خودمان و خانواده مطهر و معصوم اهل‌بیت پیغمبر علیه‌السلام و به‌خصوص فاطمه زهرا علیها‌السلام بیشتر کنیم و همچنین خودمان را با اطاعت خدا، به آن‌ها نزدیک نماییم.^۴

۳-۱. پیوند عاطفی در حزن و شادی ائمه علیهم‌السلام

رَبِّعَظَمَاءَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ: عاطفه مردم ما و پیوندشان با ائمه علیهم‌السلام و عشقشان که در شادی آن‌ها حقیقتاً شاد می‌شوند و در عزای آن‌ها حقیقتاً محزون و غمگین می‌شوند،^۵ چیز بسیار

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

۲. بیانات در دیدار با مسئولان هیئت‌های رزمندگان اسلام از سراسر کشور، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل‌بیت، به‌مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۱۷ مرداد ۱۳۸۳.

۴. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل‌بیت، به‌مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۲۸ مرداد ۱۳۸۲.

۵. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ بَصْرُونَا وَ

مهمی است.^۱

۲-۳. جایگاه اقامه عزای اهل بیت علیهم السلام

اما مخبر حضور الله علیه السلام؛ این هایی که مسجد می آیند، منبر را گوش می کنند، مطالب را گوش می کنند، همچو که به روضه می رسند، رد می شوند و می روند، این از باب این است که ملتفت نیستند چه هست. آن روضه است که این محراب، که این منبر را حفظ کرده است. حرف می زنید، خطبه می خوانید، نوحه می خوانید، مردم را به گریه وادار می کنید، مردم هم که گریه می کنند، همه روی این مقصد باشد که این اسلام را ما می خواهیم با همین هیاهو حفظش کنیم. با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه خوانی، با این شعرخوانی، با این نثرخوانی ما می خواهیم این مکتب را حفظ کنیم. چنانچه تا حالا هم حفظ شده [است].^۲

۳-۳. جایگاه گریه بر ابا عبد الله الحسین علیه السلام

* ابی حمزه از پدرش و او از پدرش نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ الْبُكَاءَ وَ الْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خَلَا الْبُكَاءَ عَلَى الْاُحْسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَإِنَّهُ فِيهِ مَا جُوزَ...^۳

برای بنده، گریه و بی تابی برای هر مصیبتی، مکروه است؛ به جز گریه و ناله و

يَفْرَحُونَ لَفَرَجِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَ إِنِنَا؛ خداوند متعال به زمینیان نگرست و ما را انتخاب کرد؛ سپس برایمان شیعیانی انتخاب کرد که ما را یاری کنند و با شادمانی ما شاد و با غم های ما غمگین شوند و مال ها و جان های خود را در راه ما بذل کنند. [در این صورت] آن ها از ما و راهشان به سوی ما خواهد بود» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷).

امام رضا علیه السلام به ریان بن شیب فرموده اند: «إِنَّ سَرَكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَأَحْزَنُ لِحُزْنِنَا وَ أَفْرَحُ لَفَرَجِنَا؛ اگر بودن با ما در درجات والای بهشت، خوش حالت می کند؛ پس در اندوه ما غمگین و در شادی ما خوش حال باش» (جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۴۹).

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۳۶۸.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۷۱.

۳. جعفر بن محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۰۰.

بی‌تابی در مصیبت حسین بن علی (علیه السلام)؛ پس به درستی که او به واسطه این کار، مأجور است.

* این سخن امام صادق (علیه السلام) است که:

مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فِينَا دَمَعَةً لِدِمِّ سُفِكَ لَنَا أَوْ حَقٌّ لَنَا نَقَضْنَا أَوْ عَرَضِ أَنْتَهَكَ لَنَا أَوْ لَأَحَدٍ مِنْ شَبِيتِنَا بَوَّاءَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حُقْبًا.^۱

هرکه چشمش در راه ما گریان شود، به خاطر خونی که از ما ریخته شده است یا حقی که از ما گرفته شده است یا آبرویی که از ما یا یکی از شیعیان ما برده شده یا به او هتک حرمت شده است، خدای متعال به همین سبب، او را در بهشت جاودان جای می‌دهد.

* از ائمه (علیهم السلام) چنین روایت شده است:

مَنْ بَكَى أَوْ أَبْكَى غَيْرَهُ وَ لَوْ وَاحِدًا صَمِنَّا لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ وَ مَنْ لَمْ يَتَأْتْ لَهُ الْبُكَاءُ فَتَبَاكِي فَلَهُ الْجَنَّةُ.^۲

هرکه گریه کند یا دیگران را بگریاند، هرچند یک نفر باشد، ما عطاى بهشت را از سوی خداوند، برای او ضمانت می‌کنیم و هرکه اشکش جاری نمی‌شود، اگر خود را به حالت گریه درآورد [تباکی کند]، پاداش او نیز بهشت خواهد بود.

* امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند:

يَا دُعَيْلُ مَنْ بَكَى أَوْ أَبْكَى عَلَى مُصَابِنَا وَ لَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ يَا دُعَيْلُ مَنْ دَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَعْدَائِنَا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا فِي زُمْرَتِنَا يَا دُعَيْلُ مَنْ بَكَى عَلَى مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ (علیه السلام) غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ...^۳

ای دعبل، هرکس گریه کند و برای مصائب ما، دیگران را بگریاند، هرچند یک نفر باشد، اجر او بر عهده خدا خواهد بود. ای دعبل، هرکس در مصیبت

۱. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید رحمته الله)، الأمالی، ص ۱۷۵.

۲. ابن‌نما حلی، هئیر الأحرار، ص ۱۴.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶.

ما چشمانش اشک‌آلود شود و بگرید به خاطر آنچه از دشمنان به ما رسیده است، خداوند او را با ما محشور می‌کند. ای دعبل، هرکس برای مصیبت جدم حسین علیه السلام بگرید، خداوند گناهانش را می‌آمرزد.

* امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

يَا فَضِيلُ مَنْ دَكَّرْنَا أَوْ دَكَّرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ دُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ^۱.

ای فضیل، هرکس ما را یاد کند یا نامی از ما نزد او برده شود و به اندازه بال مگسی اشک از چشمانش خارج شود، خداوند گناهانش را می‌آمرزد؛ هرچند بیشتر از کف دریا باشد.

زینب عظمیٰ رضی الله عنها منظار: بیان ماجرای عاشورا، فقط بیان یک خاطره نیست؛ بلکه بیان حادثه‌ای است که همان‌طور که در آغاز سخن عرض شد، دارای ابعاد بی‌شمار است. پس یادآوری این خاطره، درحقیقت مقوله‌ای است که می‌تواند به برکات فراوان و بی‌شماری منتهی شود؛ لذا شما ملاحظه می‌کنید که در زمان ائمه علیهم السلام، قضیه گریستن و گریاندن برای امام حسین علیه السلام، جایگاه ویژه‌ای داشته است.^۲

زینب عظمیٰ رضی الله عنها منظار: قدرت عاطفه، قدرت عظیمی است؛ لذا ما را امر می‌کنند به گریستن، گریاندن و حادثه را تشریح کردن. زینب کبری علیها السلام در کوفه و شام، منطقی حرف می‌زند؛ اما مرثیه می‌خواند. امام سجاد علیه السلام بر روی منبر شام، با آن عزت و صلابت، بر فرق حکومت اموی می‌کوبد؛ اما مرثیه می‌خواند. این مرثیه‌خوانی تا امروز ادامه دارد و باید تا ابد ادامه داشته باشد تا عواطف متوجه بشود. در فضای عاطفی و در فضای عشق و محبت است که می‌توان خیلی از حقایق را فهمید که در خارج از این فضاها نمی‌توان فهمید.^۳

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

۲. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۴. سیره اهل بیت علیهم السلام در عزاداری حسینی

۴-۱. برنامه مجلس عزا

* امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی درباره ثواب زیارت امام حسین علیه السلام، خطاب به عبدالله بن حماد بصری فرمودند:

بَلَّغْنِي أَنَّ قَوْمًا يَأْتُونَهُ مِنْ نَوَاحِي الْكُوفَةِ وَ نَاسًا غَيْرَهُمْ وَ نِسَاءً يَنْدُبْنَهُ وَ ذَلِكَ فِي التَّصْفِ مِنْ شُعْبَانَ فَمِنْ بَيْنِ قَارِيٍّ يَقْرَأُ وَ قَاصِّ يُقْصُّ وَ نَادِبٍ يَنْدُبُ وَ قَائِلٍ يَقُولُ الْمَرَاتِي.

به من خبر رسیده است که در نیمه شعبان، قومی از اطراف کوفه به همراه گروه‌های دیگر به زیارت امام حسین علیه السلام می‌آیند؛ از جمله [ان‌ها] زنانی [هستند] که بر حسین علیه السلام ندبه می‌کنند. همچنین در میان ایشان، قاری و راوی و نوحه‌گر و مرثیه‌گو وجود دارد که می‌خوانند و روایت می‌کنند و نوحه می‌کنند و مرثیه می‌گویند.

عبدالله بن حماد به ایشان عرض کرد: «آری! بعضی از آنچه تعریف کردید، مشاهده کرده‌ام.» حضرت فرمودند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُّ إِلَيْنَا وَيَمْدُحُنَا وَيُزِي لَنَا...^۱
حمد و سپاس خدایی را که در میان مردم، کسانی را قرار داد که برای ما مفیدند و ما را مدح می‌کنند و بر ما مرثیه می‌خوانند.

۴-۱-۱. بیان روایات و معارف اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام از فضیل سؤال کردند: «آیا باهم می‌نشینید و روایات ما را بیان می‌کنید؟» فضیل پاسخ مثبت داد؛ آنگاه حضرت فرمودند:

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۹.

إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُحِبُّهَا فَأُحِبُّوْا أَمْرَنَا فَرَجِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْبَبَ أَمْرَنَا.^۱
این جلسه‌ها را دوست دارم؛ پس امر ما را زنده نگه دارید. خداوند رحمت کند
کسی را که امر ما را احیا می‌کند.

* در روایتی از عبدالسلام بن صالح هروی، امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:
رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْبَبَ أَمْرَنَا.
خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده کند.

راوی، چگونگی این کار را جویا شد. امام رئوف علیه السلام پاسخ دادند:
يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا.^۲
علوم ما را فراگیرد و به مردم تعلیم دهد. اگر مردم محاسن کلام ما را بدانند،
حتماً از ما تبعیت می‌کنند.

۴-۱-۲. مرثیه خوانی (شعر خوانی)

* از دعبل خزاعی چنین نقل کرده‌اند:

دَخَلْتُ عَلَى سَيْدِي وَ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَيَّامِ
فَرَأَيْتُهُ جَالِسًا جَلِيسَةَ الْحَزِينِ الْكَثِيبِ وَ أَصْحَابُهُ مِنْ حَوْلِهِ فَلَمَّا رَأَيْتُ مُقْبِلًا قَالَ
مَرْحَبًا بِكَ يَا دَعْبِلُ مَرْحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ ثُمَّ إِنَّهُ وَسَّعَ لِي فِي مَجْلِسِهِ وَ
أَجْلَسَنِي إِلَى جَانِبِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا دَعْبِلُ أُحِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامِ
أَيَّامُ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَيَّامُ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيَّ أَغْدَانِنَا خُصُوصًا بَنِي
أُمِّيَةِ يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى أَوْ أَبْكَى عَلَيَّ مُصَابِنَا وَ لَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَيَّ اللَّهُ يَا
دَعْبِلُ مَنْ دَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَيَّ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَغْدَانِنَا حَسْرَهُ اللَّهُ مَعَنَا
فِي زُمْرَتِنَا يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى عَلَيَّ مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ عليه السلام غَفَرَ اللَّهُ لَهُ دُنُوبَهُ

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۱.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته الله)، معانی الأخبار، ج ۱۸۰.

الْبَيْتَةَ ثُمَّ إِنَّهُ ﷺ نَهَضَ وَ ضَرَبَ سِتْرًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ حَرَمِهِ وَ أَجْلَسَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ
وَرَاءِ السِّتْرِ لِيَبْكُوا عَلَيَّ مُصَابِ جَدِّهِمُ الْحُسَيْنِ ﷺ ثُمَّ التَّفَتَّ إِلَيَّ وَ قَالَ يَا دِعْبِلُ
اِرْثِ الْحُسَيْنِ ﷺ فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَ مَادِحُنَا مَا دُمْتَ حَيًّا فَلَا تَقْصِرْ عَنَّا نَصْرِنَا مَا
اسْتَطَعْتَ قَالَ دِعْبِلُ فَاسْتَعْبَزْتُ وَ سَأَلْتُ عَبْرَتِي وَ أَنْشَأْتُ أَقُولُ الْآيَاتِ.
أَفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنِ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِسَطِّ فِرَاتٍ
إِذَا لَلَطَمْتَ الْخَدَّ فَاطِمَةَ عِنْدَهُ وَ أَجْرِيَتْ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ^۱

در چنین روزهایی [ایام محرم] به محضر سید و مولایم، امام رضا ﷺ شرفیاب
شدم. دیدم که ایشان محزون و دل گرفته نشسته‌اند و یارانشان گرداگردشان
هستند. وقتی مرا که درحال آمدن بودم دیدند، فرمودند: «مرحبا به تو ای
دعبل! مرحبا به یاری کننده ما به دست و زبانش.» سپس مجلس را برایم باز
کردند و مرا در کنار خود نشانند و به من فرمودند: «ای دعبل، دوست دارم
برایم شعری بخوانی؛ چراکه این روزها برای ما اهل بیت، روزهای حزن بوده
است و برای دشمنان ما خصوصاً بنی امیه، روزهای شادی بوده است. ای
دعبل، هرکس بر مصیبت ما بگیرد یا دیگران، هرچند یک نفر، را بگیراند،
اجر او بر عهده خدا خواهد بود. ای دعبل، هرکس چشمانش بر مصیبت ما و
به خاطر آنچه ازسوی دشمنانمان بر سر ما آمده است، گریان شود، خداوند او را
با ما و درزمره ما محشور می‌کند. ای دعبل، هرکس بر مصیبت امام حسین ﷺ
گریه کند، خداوند قطعاً گناهان او را می‌بخشد.» سپس آن حضرت برخاستند
و پرده‌ای میان ما و اهل بیتشان قرار دادند و آن‌ها را پشت پرده نشانند تا بر
مصیبت جدشان حسین ﷺ گریه کنند. سپس رو به من کردند و فرمودند:
«ای دعبل، بر حسین ﷺ مرثیه بخوان که همانا تو یاور ما و مدح‌کننده ما
هستی تا زمانی که زنده‌ای؛ پس تا جایی که در توان داری، در یاری ما کوتاهی

۱. میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۵۸.

مکن.» دعبل می‌گوید: «بغض گلویم را گرفت و اشک‌هایم جاری شد و شروع به خواندن این ابیات کردم:

آیا فاطمه را نمی‌بینید، موقعی که حسین علیه السلام تنها به روی زمین، افتاده بود
و با لب تشنه در کنار فرات شهید شده بود؟
آنگاه که فاطمه در کنار پیکر مبارکش، با سیلی بر صورت خود زد
و اشک دیدگانش بر صورت جاری شد.

* امام صادق علیه السلام به جعفر بن عوفان طایبی فرمودند: «شنیدم که درباره امام حسین علیه السلام به‌خوبی شعر می‌گویید؟» جعفر فرمایش امام را تأیید کرد؛ سپس برای ایشان خواند.
امام صادق علیه السلام و کسانی که نزد ایشان بودند، گریه می‌کردند؛ تاجایی که اشک‌ها بر محاسن و صورتشان جاری شد؛ آنگاه حضرت فرمودند:

يَا جَعْفَرُ وَاللَّهِ لَقَدْ شَهِدَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ هَاهُنَا يَسْمَعُونَ قَوْلَكَ فِي
الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ لَقَدْ بَكَوُوا كَمَا بَكَيْنَا وَ أَكْثَرَ وَ لَقَدْ أُوجِبَ اللَّهُ لَكَ يَا جَعْفَرُ فِي
سَاعَتِكَ الْجَنَّةَ بِأَسْرَهَا وَ عَفَّرَ لَكَ.

ای جعفر، به خدا سوگند که فرشتگان مقرب خداوند در اینجا شاهد تو بودند؛
درحالی‌که سخنان تو را درباره امام حسین علیه السلام می‌شنیدند و همان‌گونه که ما
گریه کردیم، آن‌ها هم گریه کردند و خداوند در این ساعت، بهشت را بر تو
واجب کرد و تو را آمرزید.

پس از آن، از او پرسیدند: «آیا برایت نیفزاییم؟!» جعفر اشتیاقش را برای شنیدن
کلام مولا نشان داد و حضرت فرمودند:

مَا مِنْ أَحَدٍ قَالِ فِي الْحُسَيْنِ علیه السلام شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى بِهِ إِلَّا أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ
وَ عَفَّرَ لَهُ.^۱

هیچ‌کس درباره امام حسین علیه السلام شعری را نسروده و گریه نکرده و نگریانده است؛ مگر
اینکه خداوند بهشت را برای او واجب کرده است و او را آمرزیده است.»

* در گوهری از کلام امام صادق علیه السلام این طور آمده است:

مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ.^۱
هرکه در حق ما یک بیت شعر بسراید، خدا برای او در بهشت خانه‌ای بنا می‌کند.

* حسن بن جهم می‌گوید:

قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا علیه السلام يَقُولُ مَا قَالَ فِينَا مُؤْمِنٌ شِعْرًا يَمْدَحُنَا بِهِ إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ يَرُوزُهُ فِيهَا كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ.^۲

شنیدم امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ مؤمنی در مدح ما شعری نمی‌گوید؛ مگر آنکه خداوند در بهشت، شهری برای او بنا می‌کند که هفت برابر، وسیع‌تر از دنیاست و همه فرشتگان مقرب و همه انبیای فرستاده‌شده، او را در آن زیارت می‌کنند.»

* عبدالله بن صلت به امام جواد علیه السلام نامه‌ای نوشت و اجازه گرفت که برای اباالحسن الرضا علیه السلام،

یعنی پدر بزرگوار ایشان مرثیه بخواند. جواد الاثم علیه السلام در جواب او نوشتند:

انذيتني و انذب أبي.^۳

هم برای من و هم برای پدرم، نوحه بسرای!

۳-۱-۴. گریه

* مسمع بن عبدالملک می‌گوید:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي حَدِيثٍ أَمَا تَذَكُرُ مَا صَنَعَ بِهِ يَعْنِي بِالْحُسَيْنِ علیه السلام قُلْتُ

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۷.

۲. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۸.

۳. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۷.

بَلَىٰ قَالَ أَتَجْرَعُ قُلْتُ إِي وَ اللّٰهَ وَ اسْتَعْبِرْ بِذَلِكَ حَتَّىٰ يَرَىٰ أَهْلِي أَرْتَرُ ذَلِكَ عَلَيَّ
فَأَمْتَنِعُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّىٰ يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِي فَقَالَ رَجِمَ اللّٰهُ دَمْعَتَكَ أَمَا
إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يَعْدُونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا وَ يَحْزَنُونَ
لِحَزْنِنَا أَمَا إِنَّكَ سَتَرَىٰ عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ وَ وَصِيَّتَهُمْ مَلِكَ الْمَوْتِ
بِكَ وَ مَا يَلْقَوْنَكَ بِهِ مِنَ الْبِشَارَةِ أَفْضَلُ وَ لَمَلِكَ الْمَوْتِ أَرْقُ عَلَيْكَ وَ أَشَدُّ رَحْمَةً
لَكَ مِنَ الْأُمِّ الشَّفِيقَةِ عَلَيَّ وَ لِدَهَائِي إِلَىٰ أَنْ قَالَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لِمَا لَقِينَا
إِلَّا رَحْمَةً اللّٰهِ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ فَإِذَا سَالَ دُمُوعُهُ عَلَيَّ خَدَّهُ فَلَوْ
أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّىٰ لَا يُوْجَدَ لَهَا حَرٌّ وَ
ذَكَرَ حَدِيثًا طَوِيلًا يَتَضَمَّنُ ثَوَابًا جَزِيلاً يَقُولُ فِيهِ وَ مَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نُعِمْتُ
بِالنَّظَرِ إِلَى الْكُوْتُرِ وَ سُقِيتُ مِنْهُ مَعَ مَنْ أَحَبَّنَا.^۱

امام صادق علیه السلام به من فرمودند: «آیا مصائبی را که بر حسین علیه السلام رفته است، ذکر می‌کنی؟» گفتم: «بله.» فرمودند: «آیا جزع و بی‌تابی هم می‌کنی؟» گفتم: «به خدا قسم، آری! و به خاطر آن بغض می‌کنم؛ تاجایی که خانواده‌ام اثر آن را در من می‌بینند و از غذا خوردن امتناع می‌کنم؛ به‌گونه‌ای که این امر در چهره من نمودار می‌شود.» امام علیه السلام فرمودند: «خدا به‌واسطه این اشک و این حالت، تو را رحمت کند! همانا که تو از جزع‌کنندگان (بی‌تاب‌شوندگان) بر ما به‌شمار می‌آیی و نیز از کسانی هستی که از شادی ما شادمان و از اندوه ما اندوهناک می‌شوند. تو هنگام مرگ حضور پدرانم و سفارش آن‌ها را به ملک‌الموت خواهی دید و بشارتی که به تو می‌دهند، از آن برتر است. همانا ملک‌الموت از مادرِ دلسوز به فرزندش، با تو نرم‌تر و مهربان‌تر خواهد بود.» سپس افزودند: «هیچ‌کس بر ما و بر آنچه بر سر ما آمده است، از سر دلسوزی و محبت‌گریه نکند؛ مگر اینکه خداوند او را قبل از آنکه اشک از چشمش سرازیر شود، بیمارزد؛ پس هرگاه اشک‌هایش بر گونه‌اش روان شود، اگر قطره‌ای از

آن اشک‌ها در جهنم افتد، حرارت و لهیب آن را فرونشاند؛ تاجایی که گرمایی [در جهنم] باقی نمی‌ماند.»

پس از آن، ضمن بیان حدیثی طولانی که دربرگیرنده ثواب فراوانی بود، فرمودند: «هیچ چشمی بر ما نمی‌گردد؛ مگر اینکه با نظر به حوض کوثر متنعم می‌شود و به‌همراه محبان ما از آن سیراب می‌شود.»

* در روایتی به‌نقل از ابن‌بکیر، امام‌جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند:

إِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُ وَيَقُولُ أَيُّهَا الْبَاكِي لَوْ عَلِمْتَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ لَفْرِحْتَ أَكْثَرَ مِمَّا حَزِنْتَ وَإِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ^۱

همانا امام‌حسین علیه السلام به کسی که برای او گریه می‌کند، نظر کرده و برای او استغفار می‌کند و از پدرش نیز در حق او درخواست استغفار می‌کند [و به گریه‌کننده‌اش] می‌فرماید: «ای گریه‌کننده! اگر می‌دانستی که خداوند برای تو چه چیزی آماده کرده است، قطعاً شادی تو بیش از حُزنت می‌شد.» امام‌حسین علیه السلام برای تمام گناهان و لغزش‌های او از خداوند طلب بخشش می‌کند.

* امام‌صادق علیه السلام می‌فرمایند:

کامل‌ترین مؤمن از نظر ایمان، کسی است که خُلق او نیکوتر، رِقَّت قلب و گریه‌اش برای ما اهل‌بیت بیشتر، دوستی‌اش با ما اهل‌بیت زیادتر، حزن و اندوه و سوزش دلش در مصیبت ما شدیدتر و مؤدّت و دوستی او برای ما بیشتر باشد.^۲

۱. محمدبن‌حسن حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۷.

۲. سیدمحمدحسن میرجهانی طباطبایی، بکاء للحسین علیه السلام، ص ۶۸.

۴-۱-۴. اطعام عزاداران

* عمر بن علی بن حسین نقل می‌کند:

لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام لَيْسَ نِسَاءُ بَنِي هَاشِمٍ السَّوَادَ وَ الْمُسُوحَ وَ كُنَّ لَا يَشْتَكِينَ مِنْ حَرٍّ وَ لَا بَرْدٍ وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَاتَمِ.^۱
هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، زنان بنی هاشم لباس سیاه و خشن می‌پوشیدند و از گرما و سرما شکایت نمی‌کردند و امام سجاد علیه السلام برای مجلس ماتم آن‌ها طعام تهیه می‌کرد.

* عباس بن موسی بن جعفر، از امام کاظم علیه السلام درباره آداب ماتم پرسید. ایشان فرمودند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ ابْعَثُوا إِلَى أَهْلِ جَعْفَرٍ طَعَاماً فَجَزَتْ السُّنَّةُ.^۲
رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دادند برای عزاداران حضرت جعفر طیار، غذا تهیه کنند و ببرند؛ از آن پس، این کار سنت شد.

* این سخن خداوند متعال است که:

مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ عِبْدِي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بَكَى أَوْ تَبَاكَى وَ تَعَزَّى عَلَى وُلْدِ الْمُصْطَفَى صلى الله عليه وسلم إِلَّا وَ كَانَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ثَابِتاً فِيهَا وَ مَا مِنْ عَبْدٍ أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ فِي مَحَبَّةِ ابْنِ بَنِي نَبِيِّهِ طَعَاماً وَ غَيْرَ ذَلِكَ دِرْهَمًا إِلَّا وَ بَارَكْتُ لَهُ فِي الدَّارِ الدُّنْيَا الدَّرْهَمَ بِسَبْعِينَ دِرْهَمًا وَ كَانَ مُعَافَاً فِي الْجَنَّةِ وَ غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ.^۳

هیچ بنده‌ای از بندگان من نیست که گریه کند یا خود را به صورت گریه‌کننده درآورد و به خاطر فرزند مصطفی صلی الله علیه و آله عزاداری کند؛ مگر اینکه بهشت را برای او تثبیت می‌کنم. هیچ بنده‌ای نیست که درهمی از مالش را در محبت پسر دختر رسول الله، به صورت غذا یا غیر از آن انفاق کند؛ مگر اینکه برای او در دنیا

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۸.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۹.

به ازای هر درهم، هفتاد درهم برکت قرار می‌دهم و بهشت را به او می‌بخشم و از گناهانش می‌گذرم.

۲-۴. رفتارهای فردی

۱-۲-۴. لباس مشکی پوشیدن

* فخر الدین الطریحی در المنتخب نقل کرده است:

أَنَّ يَزِيدَ لَعَنَهُ اللَّهُ اسْتَدْعَى بِحَزْمِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهُنَّ أَيَّمَا أَحَبِّ إِلَيْكُنَّ الْمَقَامَ عِنْدِي أَوْ الرُّجُوعُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَ لَكُمْ الْجَائِزَةُ السَّنِيَّةُ قَالُوا نَحِبُّ أَوْلَا أَنْ نَتَوَخَّ عَلَى الْحُسَيْنِ ﷺ قَالَ أَفْعَلُوا مَا بَدَأَ لَكُمْ ثُمَّ أُخْلِيَتْ لَهُنَّ الْحُجْرُ وَ الْبُيُوتُ فِي دِمَشْقَ فَلَمْ تَبْقَ هَاشِمِيَّةٌ وَ لَا قُرَشِيَّةٌ إِلَّا وَ لَبَسَتِ السَّوَادَ عَلَى الْحُسَيْنِ ﷺ وَ نَدَبُوهُ عَلَى مَا نُقِلَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ^۱

یزید (لعنت‌الله‌علیه) خانواده رسول خدا ﷺ را به حضور طلبید و به آن‌ها گفت: «کدام یک برای شما محبوب‌تر است؛ اینکه نزد من بمانید یا درحالی که برای شما هدیه‌های ارزنده‌ای تهیه شده است، به مدینه بازگردید؟» خانواده رسول خدا ﷺ فرمودند: «ما دوست داریم اول برای حسین ﷺ نوحه بخوانیم (اقامه عزا بکنیم)». یزید گفت: «آنچه می‌خواهید، انجام دهید.» بنابراین اتاق‌ها و خانه‌هایی را در دمشق برای عزاداری خاندان رسول خدا ﷺ مهیا کردند و هیچ زن هاشمی و قریشی باقی نماند؛ مگر اینکه در عزای حسین ﷺ لباس سیاه پوشید. بنابر آنچه نقل شده است، آن‌ها تا هفت روز برای امام حسین ﷺ ندبه کردند.

۲-۲-۴. به دیدار هم رفتن و تسلیت گفتن به یکدیگر

* امام باقر ﷺ خطاب به علقمة بن محمد حضرمی فرمودند:

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۲۷.

يا عَقَمَةٌ وَ انْدُبُوا الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ اِنْكُوهُ... وَ تَلَاقُوا يَوْمَئِذٍ بِالْبُكَاءِ بِعُضُكُمْ اِلَى
بَعْضٍ فِي الْبُيُوتِ وَ حَيْثُ تَلَاقَيْتُمْ وَ لِيَعَزَّ بَعْضُكُمْ بِعُضَا بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.
تَقُولُونَ اَحْسَنَ اللّٰهُ اُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِاَبِي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ جَعَلْنَا مِنْ
الطَّالِبِينَ بِنَّارِهِ مَعَ الْاِمَامِ الْمَهْدِيِّ اِلَى الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
وَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ^۱

ای علقمه، برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه کنید... و در آن روز [عاشورا]، با
گریه، به دیدار همدیگر رفته و همدیگر را با گریه ملاقات کنید و در مصیبت
امام حسین علیه السلام به هم تسلیت بگویید.

علقمه گفت: «خداوند کار شما را سامان دهد. چگونه همدیگر را تسلیت
بگوییم؟» حضرت فرمودند:

تَقُولُونَ اَحْسَنَ اللّٰهُ اُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِاَبِي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ جَعَلْنَا مِنْ
الطَّالِبِينَ بِنَّارِهِ مَعَ الْاِمَامِ الْمَهْدِيِّ اِلَى الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
وَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ.

بگویید، خداوند اجر ما را به خاطر مصیبت زدگی مان بر امام حسین علیه السلام نیکو
بدارد و ما را از طلب کنندگان خون (خون خواهان) او به همراه امام هدایت کننده
به حق 'از آل محمد (صلی الله علیه وآله و علیهم اجمعین) قرار دهد.

۴-۲-۳. پرهیز از خندیدن در ایام عزا و محزون بودن در این ایام

* امام رضا علیه السلام فرمودند:

فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ثُمَّ
قَالَ علیه السلام كَانَ أَبِي علیه السلام إِذَا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكُتَابَةُ
تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى تَمُضِيَ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ

مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عليه السلام.^۱
 پس باید گریه کنندگان بر کسی مثل حسین، بگریند؛ چراکه گریه بر حسین،
 گناهان بزرگ را محو می‌کند... . وقتی ماه محرم می‌آمد، کسی پدرم،
 موسی بن جعفر علیه السلام، را خندان نمی‌دید و شدت حزن و اندوه بر وی غلبه داشت
 تا اینکه ده روز می‌گذشت. وقتی که روز دهم می‌شد، آن روز، روز غم و اندوه
 و گریه‌اش بود و می‌فرمود: «این روزی است که امام حسین علیه السلام به شهادت
 رسیده است.»

* عبدالله بن سنان می‌گوید:

دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَأَلْفَيْتُهُ
 كَأَسَفِ اللَّوْنِ ظَاهِرِ الْحُزْنِ وَ دُمُوعُهُ تَنْحَدِرُ مِنْ عَيْنَيْهِ كَاللُّوْلُؤِ الْمَسَاقِطِ فَقُلْتُ يَا
 ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّ بُكَاءُكَ لَا أَبْكِي اللَّهُ عَيْنَيْكَ فَقَالَ لِي أَوْ فِي غَفْلَةٍ أَمَا عَلِمْتَ
 أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام أُصِيبَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ.^۲
 در روز عاشورا، نزد آقایم امام صادق علیه السلام رفتم؛ پس امام علیه السلام را رنگ‌پریده و
 اندوهگین یافتم؛ درحالی که اشک، مانند مرواریدهایی از چشمانشان سرازیر
 بود. پس گفتم: «ای فرزند رسول خدا! علت گریه شما چیست؟ خداوند
 چشمانت را نگر یاند.» امام علیه السلام فرمودند: «آیا غافل؟ آیا نمی‌دانی که در چنین
 روزی بر حسین بن علی علیه السلام مصیبت وارد شد [و به شهادت رسید]؟»

* مرواریدی دیگر از کلام امام صادق علیه السلام که بنابر فرمایش خود این بزرگوار، این
 حدیث را باید با طلا نوشت:

نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَطْمُنَا تَسْبِيحٍ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كَيْفَانُ سِرْنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَمَّ

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۴؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته الله)،
 الاُمالی، ص ۱۲۸.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَجِبُ أَنْ يَكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَبِ^۱
نفس کسی که به خاطر مظلومیت ما اندوهگین شود، تسبیح است و اندوهش
به خاطر ما، عبادت است و پوشاندن راز ما جهاد در راه خداست.

۴-۲-۴. سلام کردن بر امام حسین عليه السلام و لعن قاتلان آن حضرت در هنگام نوشیدن آب

* داوود رقی نزد امام صادق عليه السلام بود که حضرت آب طلب کردند. وقتی آب را نوشیدند،
دل شکسته شدند و از چشمانشان اشک جاری شد و فرمودند:

يَا دَاوُدُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَمَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام
وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ حَطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ
لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ كَاتَمَّا أَعْتَقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَ حَسَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ
تَلِيحَ الْفُؤَادِ.^۲

ای داوود، خدا قاتلان امام حسین عليه السلام را لعنت کند. هیچ بنده‌ای نیست که
آب بخورد و امام حسین عليه السلام را یاد کند و بر قاتلان آن حضرت، لعن بفرستد؛
مگر اینکه خداوند برای او صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار سیئه پاک کند
و صد هزار درجه به او بدهد؛ مثل اینکه صد هزار بنده را آزاد کرده باشد و روز
قیامت خداوند او را با دلی آرام و قلبی التیام یافته محشور می‌کند.

۵-۲-۴. رها کردن کسب و کار در ایام عزا

* علقمة بن محمد حضرمی نقل کرده است که امام باقر عليه السلام فرمودند:
يَا عَلْقَمَةُ وَ انْدَبُوا الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ ابْكُوهُ... وَ إِنْ اشْتَطَاعَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَمْضِيَ
يَوْمَهُ فِي حَاجَةٍ فَافْعَلُوا فَإِنَّهُ يَوْمٌ نَحْسٌ لَا تُقْضَى فِيهِ حَاجَةٌ مُؤْمِنٍ وَ إِنْ قُضِيَ لَمْ

۱. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید رحمته الله)، الأملی، ص ۳۳۸.

۲. جعفر بن محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۰۷.

بِإِذْنِ رَبِّكَ فِيهَا وَمَنْ يَشِدُّ وَا لَا يَذْجُرُنَّ أَحَدَكُمْ لِمَنْزِلِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ شَيْئاً فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يَبَارِكْ فِيهِ قَالَ الْبَاقِرُ (ع) أَنَا ضَامِنٌ لِمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا تَقَدَّمَ بِهِ الذُّكْرُ مِنْ عَظِيمِ الثَّوَابِ وَ حَسْرَةِ اللَّهِ فِي جُمْلَةِ الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَ الْحُسَيْنِ (ع).^۱

ای علقمه، بر امام حسین (ع) ندبه کنید و برایش بگریید... و هرکدام از شما که می‌تواند در آن روز [عاشورا] به دنبال طلب حاجتی نرود، پس نرود؛ چرا که آن روز، روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در آن برآورده نمی‌شود و اگر برآورده شود هم برکت نخواهد داشت و هیچ‌یک از شما در خانه‌اش در آن روز چیزی را ذخیره نکند؛ چرا که هرکس این کار را انجام دهد، در آن برکت نبیند. امام باقر (ع) فرمودند: «من برای کسی که این کار را انجام دهد، ضامن‌ام که برای او نزد خداوند، آنچه که قبلاً یاد کردیم، از اجر عظیم، خواهد بود و خداوند او را با کسانی محشور می‌کند که با امام حسین (ع) شهید شده‌اند.

* امام رضا (ع) فرموده‌اند:

مَنْ تَرَكَ السَّعَى فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ يَجْعَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَ سُورِهِ وَ قَرَّتْ بِنَا فِي الْجَنَّةِ عَيْنُهُ.^۲

هرکس در روز عاشورا تلاش در حوائج دنیا را ترک کند، خداوند همه حوائج دنیا و آخرتش را ادا می‌کند و هرکه روز عاشورا، روز اندوه و غم و گریه‌اش باشد، خداوند عز و جل، روز قیامت را روز شادی و سرورش قرار می‌دهد و در بهشت چشمش به دیدن ما روشن خواهد شد.

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۶.

۲. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۴.

۴-۲-۶. حالت مصیبت زده به خود گرفتن

* امام صادق علیه السلام خطاب به عبدالله بن سنان فرموده اند:

إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَأْتِي بِهِ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ... تَكْشِفُ عَنْ ذِرَاعَيْكَ كَهَيْئَةِ أَصْحَابِ الْمَصَائِبِ... إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَأْتِي بِهِ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ تَعْمَدَ إِلَى ثِيَابٍ طَاهِرَةٍ فَتَلْبَسَهَا وَ تَتَسَلَّبَ قَالَ وَ مَا التَّسْلُبُ قَالَ تُحَلِّلُ أَرْزَاكَ وَ تَكْشِفُ عَنْ ذِرَاعَيْكَ كَهَيْئَةِ أَصْحَابِ الْمَصَائِبِ.^۱

افضل اعمال در روز عاشورا اين است كه... ظاهرت شبیه کسانی باشد كه صاحبِ عزا و مصیبت هستند. ...ای عبدالله بن سنان، افضل آنچه در این روز [عاشورا] بهجا آورده می شود، این است كه لباس تمیزی را به تن كنی، دكمه های آن را باز كنی، آستین هایش را بالا بزنی و سر و پا برهنه باشی، همانند کسانی كه مصیبت زده اند.

* امام رضا علیه السلام فرموده اند:

...فَلَوْ عَلِمَ الْبَاكُونَ أَى أَجْرٍ يُوَجِرُونَ لَتَمَنُّوا دَوَامَ الْحَالِ حَتَّى الْمَالِ.^۲
اگر گریه کنندگان بر امام حسین علیه السلام می دانستند كه چه اجری به آنها داده می شود، به طور حتم آرزو می كردند تا آخر عمر در این حال باقی بمانند.

۴-۳. فعالیت های جمعی در اقامه عزای اهل بیت علیهم السلام

۴-۳-۱. دسته عزا

رب میرزا غلامرضا منظف: بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و بازگشت کاروان کربلا، مدینه الرسول، شب و روز، شاهد اقامه عزا و نوحه سرایی بود. اشک گریه کنندگان بر خاک پاکش ریخت. دستجات عزاداری بانوان از منزل زینب کبری به حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و از حرم پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۲. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته الله)، الأمالی، ص ۱۲۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳.

به منزل جناب ام‌البنین علیها السلام در رفت و آمد بودند. هنگامی که حضرت حورا، عقیلهٔ بنی‌هاشم، زینب کبری علیها السلام از شام به مدینه مراجعت نمودند، بعد از استقبال و برگزاری مجالس عزاء، از اطراف و اکناف برای عرض تسلیت به محضر آن علیامخدره شرفیاب شدند. وقتی به حضرت زینب علیها السلام خبر دادند که جناب ام‌البنین علیها السلام قصد آمدن به منزل شما را دارند، پیغام فرستادند: «شما تشریف نیاورید. افضل آن است که من و خواهرانم برای عرض تسلیت اولاد شما به خدمت شما برسیم.» جناب زینب کبری علیها السلام احترام خاصی برای مادر حضرت عباس رضی الله عنه قائل بودند و به مناسبت‌های دینی و غیر آن، به زیارت آن جناب می‌رفتند. حضرت زینب علیها السلام در روز دوم ورودشان به مدینه، زن‌های بنی‌هاشم و دختران حضرت علی رضی الله عنه و عقیل و جعفر و آل‌عبدالمطلب را جمع کردند و امر فرمودند زینت‌آلات را از خود دور کنند، لباس عزاء و مشکی بپوشند و با نظم خاصی، با آه و گریه و فریاد برای شهدای کربلا، درحالی که بر سینه می‌زنند؛ به‌طرف مسجد و حرم رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم حرکت کنند. آن روز همگی یک‌صدا ناله می‌کردند: «واسیدا! واحسینا!» به‌نحوی که خلق از نالهٔ آنان گریان بودند.

بهر عظم از عظم ناله‌کنان و سینه‌زنان به منزل جناب ام‌البنین علیها السلام رفتند؛ درحالی که آن حضرت جلوی در منزل، در انتظار حضرت زینب علیها السلام و خواهران و عزاداران امام حسین رضی الله عنه بود، هنگامی که جناب ام‌البنین علیها السلام و زینب کبری علیها السلام به یکدیگر رسیدند، ناله‌ای از آن دو مخدره و زن‌های عزادار بلند شد که کوچک و بزرگ را گریان نمود؛ اما مادر قمر بنی‌هاشم رضی الله عنه نامی از اولاد خود نبرد. زینب کبری علیها السلام به ایشان تسلیت می‌گفت و ناله می‌کرد: «وآخا! واعباسا!» ولی ام‌البنین علیها السلام می‌فرمود: «واماما! واحسینا! حسین من چه شد؟»

بهر عظم از عظم باین حال وارد منزل شدند و ناله و گریه سر دادند. حضرت زینب علیها السلام از وقایع عاشورا می‌فرمود و دیگران ضجه می‌زدند، تا آنکه حضرت غش کرد و از حال رفت. بعد از آن، حضرت ام‌کلثوم علیها السلام مطالبی می‌فرمود و به‌همین صورت عزاداری

در منازل ادامه داشت تا زمانی که حضرت زینب علیها السلام را به شام تبعید کردند. بعد از رفتن آن حضرت از مدینه نیز عزاداری‌ها ادامه داشت.^۱

۴-۳-۲. اقامه مجلس عزادار در خانه‌ها

* امام باقر علیه السلام در قسمتی از حدیثی درباره «زیارت امام حسین علیه السلام» در روز عاشورا، از راه دور و نزدیک» فرموده‌اند:

...ثُمَّ لِيُنْدَبِ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ يَبْكِيهِ وَ يَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ مِمَّنْ لَا يَتَّقِيهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ يَقِيْمُ فِي دَارِهِ الْمُصِيبَةَ بِأَظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَ لِيَعَزَّ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِمَصَابِيهِمْ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَ أَنَا ضَامِنٌ لَهُمْ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَمِيعَ ذَلِكَ يَعْنِي ثَوَابَ أَلْفِي حَجَّةٍ وَ أَلْفِي عُمْرَةٍ وَ أَلْفِي غَزْوَةٍ.

...سپس ندبه کند برای امام حسین علیه السلام و بر او بگرید و کسانی از اهل خانه‌اش را که در برابر آن‌ها تقیه نمی‌کند، امر کند به گریه کردن بر او و در خانه‌اش با اظهار بی‌تابی بر او، مصیبت و عزا بر پا کند و همدیگر را برای مصیبت امام حسین علیه السلام تسلیت بگویند. اگر این کارها را انجام دهند، من نزد خدا برایشان همه آن فضیلت‌ها را ضمانت می‌کنم؛ یعنی ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه (جنگ همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) را.

راوی پرسید: «شما این‌ها را برایشان ضامن هستید و بر عهده می‌گیرید؟» حضرت پاسخ مثبت دادند. باز پرسید: «چگونه همدیگر را تسلیت بگوییم؟» حضرت اباجعفر علیه السلام پاسخ دادند:

تَقُولُ عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمَصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِتَأْرِهِ مَعَ وَ لِيهِ وَ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.^۲

می‌گویی، خداوند اجر ما را به‌خاطر مصیبت و عزای امام حسین علیه السلام بزرگ بدارد و

۱. منابع النوراء فی وقایع عاشورا، ص ۱۸۳.

۲. محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۰.

ما و شما را به همراه ولّی خود، امام مهدی از آل محمد، از خون خواهان او قرار دهد.

* فرمایشی دیگر از امام صادق علیه السلام خطاب به علقمة بن محمد حضرمی:

يَا عَلْقَمَةُ وَ اَنْدَبُوا الْحُسَيْنَ عليه السلام وَ ابْكُوهُ وَ لِيَأْمُرْ اَحَدَكُمْ مَنْ فِي ذَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ
وَ لِيَقُمْ عَلَيْهِ فِي ذَارِهِ الْمُصِيبَةَ بِاِظْهَارِ الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ وَ تَلَاقُوا يَوْمَئِذٍ بِالْبُكَاءِ
بَعْضُكُمْ اِلَى بَعْضٍ فِي الْبُيُوتِ.^۱

ای علقمه، برای امام حسین علیه السلام ندبه کنید و برایش گریه کنید و هرکدام از شما اهل خانه‌اش را بر گریه بر حسین علیه السلام امر کند و باید هرکدام از شما در خانه‌اش با اظهار بی‌تابی و گریه بر امام حسین علیه السلام اقامه مصیبت کند و گریه‌کنان به دیدار یکدیگر، به خانه‌های همدیگر بروید.

* فضل می‌گوید:

اول محرم، امام صادق علیه السلام را دیدم. از من پرسیدند که دیشب کجا بودم. عرض کردم: «دیشب بین ما کسی بود که می‌گفت هلال ماه محرم را دیده است؛ لذا یکی از دوستان و محبان شما به مناسبت اول محرم مجلسی برگزار کرده بود و ما برای گریه و ناله و عزاداری بر جد بزرگواران، حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت آن حضرت، به‌خاطر مصائبی که بر آن بزرگواران در این ماه وارد شده است، در مجلس او شرکت کردیم و بر مصائب شما اهل بیت گریستیم.»
امام صادق علیه السلام برای من دعا کردند و از خداوند خواستند تا دل‌م را روشن کند و به من شرح صدر مرحمت فرماید و مرا برای این عمل خوب و موالات با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پاداش دهد. سپس از من پرسیدند که آیا هنگام بیرون آمدن از مجلس عزاء، جلوی در خانه به کسی برخورد نکردم. به ایشان عرض کردم: «خداوند مرا فدای شما کند. با مردی که جلوی در نشسته بود، برخورد کردم.»
امام علیه السلام از من پرسیدند که آن شخص را شناختم یا نه. گفتم: «هوا تاریک

بود و نتوانستم او را بشناسم.» حضرت فرمودند که آن مرد، خود ایشان بوده است که جلوی در نشسته بودند. گفتیم: «الله اکبر! پس برای چه به مجلس ما نیامدید تا در صدر مجلس باشید؟! به خدا قسم شما صاحب عزا هستید و واجب است به شما تعزیت بگوییم.» امام صادق علیه السلام فرمودند: «خواستم وارد مجلس شوم؛ اما دیدم در صدر مجلس، جدم پیامبر و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام حضور دارند و با شما بر ابا عبدالله، حسین بن علی علیهما السلام می‌گریستند و نوحه و زاری می‌کردند.»^۱

۴-۳-۲-۱. ساترزدن بین زنان و مردان

* از دعبل خزاعی چنین نقل شده است:

دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عليهما السلام فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَيَّامِ فَرَأَيْتُهُ جَالِسًا جِلْسَةً الْحَزِينِ وَ الْكَيْبِ وَ أَصْحَابُهُ مِنْ حَوْلِهِ... ثُمَّ إِنَّهُ عليه السلام نَهَضَ وَ صَرَبَ سِتْرًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ حَرَمِهِ وَ أَجْلَسَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ وَرَاءِ السِّتْرِ لِيَبْكُوا عَلَيَّ مُصَابِ جَدِّهِمُ الْحُسَيْنِ عليه السلام ثُمَّ التَّفَّتَ إِلَيَّ وَ قَالَ يَا دَعْبِلُ ارْثِ الْحُسَيْنِ عليه السلام ...^۲

در چنین روزهایی [ایام محرم] به محضر سید و مولایم، امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم. دیدم که ایشان محزون و دل گرفته نشسته‌اند و یارانشان گرداگرد ایشان هستند... آن حضرت برخاستند و پرده‌ای میان ما و اهل بیتشان قرار دادند و آن‌ها را پشت پرده نشانند تا بر مصیبت جدشان، حسین علیه السلام گریه کنند؛ سپس به من رو کردند و فرمودند: «ای دعبل، بر حسین علیه السلام مرثیه بخوان...»

* عبدالله بن غالب می‌گوید:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَنْشَدْتُهُ مَرْثِيَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام فَلَمَّا أَنْتَهَيْتُ إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ
لَيْلِيَةَ تَسْفُوا حُسَيْنًا بِمِسْقَاةِ النَّرَى غَيْرِ التَّرَابِ

۱. ثمرات الاعواد، ج ۱، ص ۱۶؛ منابع النوراء، ص ۱۷؛ احرام محرم، ص ۵۱.
۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶.

صَاحَتْ بَاكِيَةٌ مِنْ وَرَاءِ السُّتْرِ يَا أَبْتَاهُ.^۱
 به محضر امام صادق علیه السلام وارد شدم و برایشان مرثیه امام حسین علیه السلام را خواندم.
 تا اینکه به این بیت رسیدم:
 مصیبت امام حسین علیه السلام این بود که زمین، [به جای آب،] خاک و گرد و غبار به او
 داد....

در این لحظه، ناگه زنی گریه‌کنان از پشت پرده فریاد زد: «وای پدرم!»

۳-۳-۴. عزاداری در مراکز عمومی

* در روایتی از امام صادق علیه السلام این طور آمده است:
 قَالَ لِي أَبِي يَا جَعْفَرُ أَوْقِفْ لِي مِنْ مَالِي كَذَا وَ كَذَا لِتَوَادِبِ تَنْدُبِي عَشْرَ سِنِينَ
 بِمَنِّي أَيَّامَ مَنِّي.^۲
 پدرم، امام باقر علیه السلام، به من فرمودند: «ای جعفر، از مالم، فلان مقدار وقف
 نوحه‌خوانان کن که به مدت ده سال در منا و در ایام حج، برای من نوحه‌خوانی
 و سوگواری کنند.»

۵. الگوی مطلوب عزاداری

امام خمینی رضوان الله علیه؛ ائمه این قدر اصرار کردند به اینکه مجمع داشته باشید، گریه بکنید، چه
 بکنید، برای اینکه این حفظ می‌کند این کیان مذهب ما را. این دستجاتی که در ایام
 عاشورا راه می‌افتند، خیال نکنند که ما این را تبدیل کنیم به راهپیمایی. راهپیمایی
 است خودش؛ اما راهپیمایی با یک محتوای سیاسی، همان طوری که سابق بود؛ بلکه
 بالاتر. همان سینه‌زنی، همان نوحه‌خوانی، همان‌ها، همان‌ها رمز پیروزی ماست. در

۱. ابن نما حلی، مثیر الأحران، ص ۱۵.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۷.

سرتاسر کشور، مجلس روضه باشد. همه روضه بخوانند و همه گریه بکنند.^۱

رهبر عظیم انقلاب: سیدالشهدا را این گریه‌ها حفظ کرده است، مکتبش را، این مصیبت‌ها و داد و قال‌ها حفظ کرده. این سینه‌زنی‌ها و این دستجات، این‌ها حفظ کرده [است].

اگر فقط مقدسی بود و توی اتاق خانه می‌نشست، برای خودش و هی زیارت عاشورا می‌خواند و تسبیح می‌گرداند، نمانده بود چیزی. هیاهو می‌خواهد، هر مکتبی هیاهو می‌خواهد. باید پایش سینه بزنند. هر مکتبی تا پایش گریه‌کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی‌شود. این‌ها اشتباه می‌کنند؛ بچه‌اند این‌ها!^۲

رهبر عظیم انقلاب: اکنون باید به‌نحو متعارف که در طول قرون و اعصار، عزاداری می‌کرده‌اند و متدینین و علما هم خود در آن شرکت می‌جسته‌اند، عزاداری کنند؛ یعنی تشکیل مجالس روضه‌خوانی و راه‌اندازی دستجات و مواکب عزاداری که دارای حال و حزن و شور محبت اهل بیت علیهم السلام است. سعی کنند که نوحه‌ها و شعرها و روضه‌خوانی‌ها، پرمغز و دارای مضامین صحیح و متکی به آثار وارده معتبره از ائمه علیهم السلام یا علمای بزرگ باشد.^۳

رهبر عظیم انقلاب: ما معمان... مبلغان و همه ذاکران، باید مسئله عاشورا و مصایب حسین بن علی علیه السلام را به‌صورت یک مسئله جدی و اصلی و به‌دوراز شعار، مورد توجه قرار بدهیم. واقعاً اگر بخواهیم این مسئله را جدی بگیریم، راهش چیست؟

رهبر عظیم انقلاب: اولین شرط این است که ما حادثه را از پیرایه‌های مضر، خالی کنیم. چیزهایی وجود دارد که اگرچه پیرایه است؛ اما نه مضر و نه حتی دروغ است. همه کسانی که بخواهند با بیان هنری، حادثه‌ای را ترسیم کنند، فقط متن حادثه را نمی‌گویند. وقتی شما می‌شنوید که در شرایط خاصی، سخنی از زبان کسی خارج شده [است]، می‌توانید احساسات آن گوینده سخن را هم حدس بزنید. این، یک چیز قهری است. اگر در بیابانی و در مقابل لشکریانی، انسانی حرفی بر زبان جاری می‌کند،

۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۷، ۲۹ آبان ۱۳۵۸.

۲. بیانات در جمع وعاظ و روحانیان تهران، ۱۷ آبان ۱۳۵۸.

۳. پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل (حجت الاسلام والمسلمین مروّج)، ۲۷ خرداد ۱۳۷۳.

بسته به اینکه آن حرف چه باشد، دعوت و التماس و تهدید و...، قاعدتاً حالاتی در روح و ذهن این گوینده وجود دارد که این برای شنونده عاقل، قابل حدس است و برای گوینده هنرمند نیز قابل بیان می‌باشد. گفتن این‌ها، اشکالی ندارد.

رب‌معلمنا عزله: ما وقتی بخواهیم حالات امام و اصحابش علیهم‌السلام را در روز و شب عاشورا، آن مقداری که در کتب معتبره خواندیم و یافتیم، بیان کنیم، قهراً خصوصیات و ملاحظات دارد. فرض کنید سخنی را که امام علیه‌السلام با یارانش در شب عاشورا گفته است، می‌توانید با این خصوصیات بیان کنید: در تاریکی شب و یا در تاریکی غم‌انگیز و حزن‌آور آن شب و از این قبیل. این پیرایه‌ها، نه مضر و نه دروغ است؛ اما بعضی از پیرایه‌ها دروغ‌اند و بعضی از نقل‌ها خلاف می‌باشند و حتی آنچه که در بعضی از کتاب‌ها نوشته شده است، مناسب شأن و لایق مفهوم و معنای نهضت حسینی نیست. این‌ها را بایستی شناخت و جدا کرد.

رب‌معلمنا عزله: بنابراین، اولین مسئله این است که ما حادثه را خالص کنیم و آن حادثه خالص شده و دقیق و متقن را، به انواع بیان‌های هنری، از شعر و نثر و سبک روضه‌خوانی که خودش یک سبک هنری مخصوصی است، بیامیزیم. این کار، اشکالی ندارد و مهم است. ما باید این کار را بکنیم. کسانی که در این رشته، متصلب و واردند، باید این کار را انجام بدهند. اگر ما از حادثه عاشورا، مثلاً «لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنْ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلَالَةِ»^۴ را بیان کردیم که امروز معنا و مفهوم آن برای ما روشن است؛ ولی آن معنا و مفهوم را نقض کرد و با آن مخالف و مغایر بود، این کار، خدمت به مرام حسینی و حادثه عاشورا نیست. ما باید حادثه را خالص کنیم و سپس ابعاد مختلف آن را برای مردم تشریح نماییم.

رب‌معلمنا عزله: من نمی‌خواهم به آقایان علما و مبلغان و گویندگان و ذاکران محترم و همه جمع ما که اهل منبر و روضه و بیان مصائب و محامد سیدالشهدا (علیه‌الصلوة و السلام)

۴. «بدین خاطر که بندگان را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بدهد» (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعین).

هستیم. مطلبی را در آن زمینه‌ها مطرح نکنم؛ ولی به‌طور کلی باید بگویم که این حادثه، به‌عنوان پشتوانهٔ نهضت و انقلاب، باید آبرومند و پُرتپش و پرقدرت باقی بماند. اگر برخورد امروز ما با این حادثه، مثل روضه‌خوانی باشد که در پنجاه سال قبل برخورد می‌کرد؛ یعنی چیزی را در جایی می‌دید و مثلاً برحسب احتمال ذهنی، آن را ترجیح می‌داد و نقل می‌کرد و مؤمنین را می‌گریاند و هم آن‌ها و هم خود او به ثواب می‌رسیدند، ممکن است به حادثه ضرر بزنیم.^۱

۵-۱. برگزاری عزاداری به شیوهٔ سنتی

امام خمینی رحمته الله علیه محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه) است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است. زنده نگه داشتن عاشورا، با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطبا، با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم، با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم، دستجات عزاداری، به‌عنوان عزاداری، راه می‌افتاد، باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید.^۲

امام خمینی رحمته الله علیه در آخر منبر، روضه را بخوانند و زیاد بخوانند؛ دو کلمه نباشد. همان طوری که در سابق عمل می‌شد، روضه‌خوانی بشود، مرثیه گفته بشود، شعر و نثر در فضائل اهل بیت علیهم السلام و در مصائب آن‌ها گفته بشود تا این مردم مهیا باشند، در صحنه باشند، بدانند که ائمهٔ ما تمام عمرشان را صرف برای ترویج اسلام کردند. اگر آن‌ها یک سازش می‌خواستند بکنند، همهٔ جهات مادی برایشان مهیا بود؛ لکن خودشان را فدای اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند. باید مردم را آشنا کنید به وظایف خودشان و از مردم هم تقاضا می‌شود که راهپیمایی‌ها به‌عنوان راهپیمایی نباشد، به‌عنوان دستجات باشد، همان دستجات سنتی، با حفظ جهات شرعی اسلامی و

۱. بیانات در دیدار با علما و ائمهٔ جماعات و جامعهٔ وعاظ تهران، در آستانهٔ محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۲. صحیفهٔ نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴، ۴، ۴، ۱۳۶۰.

عاشورا را زنده نگه دارید که با نگه داشتن عاشورا، کشور شما آسیب نخواهد دید.^۱

رهبر عظیم انقلاب: من واقعاً می‌ترسم از اینکه خدای ناکرده، در این دوران که دوران ظهور اسلام، بروز اسلام [و] تجلی اسلام و تجلی فکر اهل بیت (علیهم‌الصلوة‌والسلام) است، نتوانیم وظیفه‌مان را انجام دهیم. برخی کارهاست که پرداختن به آن‌ها، مردم را به خدا و دین نزدیک می‌کند. یکی از آن کارها، همین عزاداری‌های سنتی است که باعث تقریب بیشتر مردم به دین می‌شود. این که امام فرمودند «عزاداری سنتی بکنید» به خاطر همین تقریب است. در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن و مواکب عزا و دسته‌های عزاداری به راه انداختن، از اموری است که عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر، پر جوش می‌کند و بسیار خوب است.^۲

۵-۱-۱. دستجات عزاداری

امام خمینی رضوان‌الله‌علیه: ... از مردم هم تقاضا می‌شود که راهپیمایی‌ها، به‌عنوان راهپیمایی نباشد، به‌عنوان دستجات باشد، همان دستجات سنتی با حفظ جهات شرعی اسلامی و عاشورا را زنده نگه دارید که با نگه داشتن عاشورا، کشور شما آسیب نخواهد دید.^۳

۵-۲. تبیین و تشریح معارف اصیل دینی و مفاهیم متناظر امروزی آن‌ها

رهبر عظیم انقلاب: روضه و نوحه و سینه‌زنی هم باید فضا را از مسائل زنده حسینی، معرفت و آگاهی پُر کند. شاید بعضی از شما یادتان باشد و بعضی هم یادتان نباشد که محرم آخر و ماقبل آخر دوران طاغوت که به پیروزی انقلاب متصل شد، همین طور بود؛ یعنی نوحه‌هایی که می‌خواندند و گاهی نوار آن را به شهرهای مختلف می‌بردند. متوجه نظام طاغوت بود. من آن موقع تبعید بودم که این نوارها را از شیراز و رفسنجان برای

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۵، ۴ آبان ۱۳۶۰.

۲. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۳. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۵، ۴ آبان ۱۳۶۰.

من آوردند. شما آن نوارها را گوش کنید. عزاداری باید آن گونه باشد. در آن روزها، آن مجالس به نظام طاغوتی که بر سر کار بود، متوجه بود. امروز الحمدلله نظام طاغوت بر سر کار نیست؛ اما حرف‌های دیگری برای گفتن و علم‌های دیگری برای بلندکردن وجود دارد. همه مفاهیمی که امروز نظام اسلامی دنبال آن‌هاست: عدالت، مبارزه با فساد، مبارزه با استکبار جهانی، مبارزه با تبعیض، توجه به شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، مفاهیم اساسی دینی ماست و همه‌اش هم حسینی است. این‌ها باید در سینه‌زنی‌ها بیاید. آیا این‌ها با نوحه و روضه و گریه و ناله، می‌سازد؟ البته؛ چون همه این عناصر، در آن حادثه وجود دارد. آن حادثه، یک ترکیب عجیب و یک آلیاژ چندین عنصره است. ذهن‌های فعال، عناصر را درست تجزیه کنند و آن‌ها را در صفحه روز عاشورا و شب عاشورا و ایام محرم و در کلمات آن بزرگوار پیدا کنند و آن‌ها را مطرح نمایند.^۱

رَبِّ عَظِيمِ عَلَمِ نَبِيٍّ: باید ماجرای امام حسین علیه السلام شناخته شود. کجا شناخته می‌شود؟ در تاریخ؟ بله، این یک بخش از آن است؛ اما قضیه امام حسین علیه السلام قضیه آن تاریخ نبود. اگر مربوط به همان قطعه از تاریخ بود، این قدر ماجرا و سروصدا و تکرار نداشت؛ بنابراین فقط مربوط به آن زمان نیست. امام حسین علیه السلام هم خودش در کربلا و قبل از کربلا فرمود که عمل من نمادین است؛ یعنی هر جا چیزی از آنچه که امروز در رأس قدرت است، و لو نه همه‌اش، وجود داشته است، باید چیزی از آن جنسی که من به بازار می‌آورم، باید به بازار بیاید. هم ائمه بعد از او، ماجرا را این گونه زنده کردند و بر آن تأکید ورزیدند. هم آن کسانی که آماج مستقیم تیر خطاناشدنی امام حسین علیه السلام بودند؛ یعنی حکومت‌های ظالم و ستمگر، در مقابل حرکت امام حسین علیه السلام عکس العمل نشان دادند؛ البته نه در ماجرای عاشورا؛ بلکه صد سال، صدوپنجاه سال، سیصد سال بعد از آن. این نشان‌دهنده آن است که این ماجرا، سیال و مواج و تمام‌نشده است.

۱. بیانات در دیدار مسئولان هیئت‌های رزمندگان اسلام از سراسر کشور، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰.

رَبِّهِمْ عِظَمًا مِّنْظَلَّةٍ: پس فهمیدن حدیث عاشورا فقط در تاریخ نیست. در هر زمانی باید دید عناصر تشکیل دهنده «هویت یزیدی» کجا پیدا می‌شود. آنگاه در مقابلش باید عناصر تشکیل دهنده «هویت حسینی» را به میدان آورد؛ پس معرفت و شناخت می‌خواهد. از جمله مهم‌ترین کارهای هیئت‌ها و جلسه‌ها و عزاداری‌ها، تبیین این مسئله است.^۱ رَبِّهِمْ عِظَمًا مِّنْظَلَّةٍ: ... وظایف مهم دیگرشان [هیئت‌ها و جلسه‌ها و عزاداری‌ها]، تبیین قرآن و دین و همان معارفی است که امام حسین علیه السلام فدای آن شد. امام حسین علیه السلام و همین‌طور سایر ائمه علیهم السلام، خودشان را فدا کردند تا آن معارف، زنده بماند. این مجالس بایستی این چیزها را نشان دهد.^۲

۵-۳. بُعد سیاسی مجالس عزاداری

امام حسین رضی الله عنه: آن مطلبی را که راجع به آقایان خطبا عرض می‌کنم، این است که عمق این کاری را که شما دارید و عمق ارزش مجلس‌های عزاداری، کم معلوم شده است و شاید پیش بعضی هیچ معلوم نشده است. اینکه در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم کربلا، آن قدر ارزش قائل‌اند؛ حتی برای تباکی ارزش قائل‌اند؛ نه از باب این است که سید مظلومان، احتیاج به این کار دارد و نه این است که فقط برای ثواب‌بردن شما و مسلمین شما باشد؛ گرچه همه ثواب‌ها هست؛ لکن چرا این ثواب برای این مجالس عزا آن قدر عظیم قرار داده شده است؟ و چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباکی، آن قدر ثواب داده است؟ کم کم این مسئله از دید سیاسی اش معلوم می‌شود و ان شاء الله بعدها بیشتر معلوم می‌شود. اینکه برای عزاداری، برای مجالس عزا، برای نوحه‌خوانی، برای این‌ها این همه ثواب داده شده است، علاوه بر آن امور عبادی اش و روحانی اش، یک مسئله مهم سیاسی در کار بوده است.^۳

۱. بیانات در دیدار مسئولان هیئت‌های رزمندگان اسلام از سراسر کشور، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰.

۲. بیانات در دیدار با مسئولان هیئت‌های رزمندگان اسلام از سراسر کشور، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰.

۳. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

۵-۳-۱. استفاده اهل بیت علیهم السلام از عزاداری به عنوان ابزار مبارزه سیاسی امام زین العابدین علیه السلام؛ این جنبه سیاسی این مجالس، بالاتر از همه جنبه‌های دیگری است که هست؛ بیخود بعضی از ائمه ما نمی‌فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانند. بیخود نمی‌گویند ائمه ما به اینکه هرکس که بگیرد، بگیراند یا صورت گریه کردن به خودش بگیرد، اجرش فلان و فلان است. مسئله، مسئله گریه نیست؛ مسئله، مسئله تباهی نیست؛ مسئله، مسئله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را باهم بسیج کنند و یکپارچه کنند از راه‌های مختلف. این‌ها را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند. مسائل اسلام، مسائل سیاسی است و سیاستش غلبه دارد بر چیزهای دیگرش. اجتماعاتی که اسلام بعضی‌اش را فرض کرده است، واجب کرده است و بعضی‌اش را به‌طور استحباب و مبالغه در استحبابش کرده است، این‌ها یک مسائل سیاسی است. قضیه مکه یک مسئله، اجتماع در مکه در این محافل مختلف با این یکپارچگی مردم که از همه بلاد، مسلمین واجب شده است که بیایند در آنجا. بروند چه بکنند؟ خدا که احتیاج به عبادت من و تو ندارد. خدای تبارک و تعالی می‌خواهد که مردم را مجتمع کند. واجب کرده است که این‌ها، جمع بشوند در آنجا و مسائل اسلام را طرح کنند و حل کنند.^۱

امام زین العابدین علیه السلام؛ اینکه بعضی از ائمه، شاید امام باقر علیه السلام بوده، من الان خوب یادم نیست، می‌فرماید که برای من یک نفر نوحه‌سرا در منا بگذارید که آنجا برای من گریه بکند و عزا بگیرد،^۲ نه این است که حضرت باقر (سلام الله علیه) احتیاج به این داشته است و نه اینکه برای او شخصاً فایده‌ای داشته است؛ لکن جنبه سیاسی این را ببینید. در منا آن وقتی که از همه اقطار عالم، آدم می‌آید آنجا، یک کسی بنشیند یا اشخاصی نوحه‌سرایی کنند برای امام باقر علیه السلام و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را مثلاً به شهادت رساندند، ذکر کند و این مسئله موجی باشد در همه دنیا. این

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۴، ۱۱۴، ۱۳۵۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۱۱۷.

مجالس عزا را دست کم گرفتند.^۱

۵-۳-۲. کارکرد سیاسی عزاداری در شرایط امروز

امام رضوان الله علیه حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان، وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان، وضع چه جور باشد و باید آن‌هایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند، چه جور مبارزه بکنند و باید آن‌هایی که در پشت جبهه هستند، چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد، باید چطور باشد. کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قدری که همه‌جا را در دست دارد، با یک عده معدود، باید چطور باشد. این‌ها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالی‌مقدار او هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد، باید چه کرد. باید تسلیم شد؟! باید تخفیف در مجاهده، قائل شد؟! یا باید همان‌طوری که زینب علیها السلام در دنباله آن مصیبت بزرگی که «تَصَغُرُ عِنْدَهُ الْمَصَائِبُ»^۲ ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه، صحبت کرد و هرجا موقع شد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن حسین (سلام الله علیه) با آن حال تقاهت، آن‌طوری که شایسته است، تبلیغ کرد... .

امام رضوان الله علیه ما امروز در مقابل این همه تبلیغاتی که در عالم دارد می‌شود بر ضدمان، در مقابل آن‌ها واقع هستیم. در مقابل مطبوعات، در مقابل رادیوها، در مقابل سخنرانی‌ها، در مقابل سازمان‌ها، ما در مقابل این‌ها واقع هستیم و ما منافع آن‌ها را از دستشان گرفته‌ایم و دست آن‌ها را از کشورمان قطع کرده‌ایم و برای ادامه این نهضت باید کوشش کنیم. یک نعمتی است خدا به ما داده است. ما باید این نعمت را حفظ کنیم. اسلام که می‌رفت در عصر رژیم منحوس پهلوی، از بین برود، اسلام را برگردانیم و آن که دشمن او بود، کنار زدیم و امروز باید این نعمت را حفظ کنیم.

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

۲. مصیبتی که هر مصیبتی، پیش آن کوچک است.

تکلیف همه این است که این نعمتی که خدای تبارک و تعالی داده است، به شکر این نعمت، مجاهده کنیم برای حفظ او.^۱

امام خمینی رضوان الله علیه: جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم را به یک نکته، این است که یک ملت را بسیج می کند برای یک مقصد اسلامی.^۲

امام خمینی رضوان الله علیه: اگر ۳۵ میلیون جمعیت در این ماه محرم، در این دهه محرم، اجتماعات داشته باشند، خطبا هم بروند مسائل روز را برایشان بگویند و تعزیه بگویند و گریه کنند برای سیدالشهدا، این یک شعاری است، یک شعار الهی است. «امروز دیگر ما انقلاب کردیم، روضه دیگر لازم نیست» از غلطهایی است که تو دهن‌ها انداختند؛ مثل این است که بگوییم: «امروز ما انقلاب کردیم، دیگر لازم نیست که نماز بخوانیم!» انقلاب برای این است. انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم؛ نه انقلاب کردیم که شعائر اسلام را بمیرانیم! زنده نگه داشتن عاشورا یک مسئله بسیار مهم سیاسی عبادی است. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد، یک مسئله سیاسی است. یک مسئله‌ای است که در پیشبرد انقلاب، اثر بسزا دارد. ما از این اجتماعات استفاده می کنیم، ما از آن الله اکبرها، ملت ما از آن الله اکبرها استفاده کرد. آن الله اکبرها را باید حفظ بکنیم.^۳

امام خمینی رضوان الله علیه: ما باید برای یک شهیدی که از دستمان می رود، علم به پا کنیم؛ نوحه خوانی کنیم، گریه کنیم، فریاد کنیم. دیگران می کنند، دیگران فریاد می زنند، وقتی یکی از آن‌ها کشته بشود. فرض کنید که از یک حزبی، یکی کشته بشود، میتینگ‌ها می دهند. فریادها می کنند. این یک میتینگ و فریادی است برای احیای مکتب سیدالشهدا و این‌ها ملتفت نیستند. توجه ندارند به مسائل. همین گریه‌ها نگه داشته این مکتب را تا اینجا و همین نوحه سرایی‌ها. همین‌هاست که ما را زنده نگه

۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

۲. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۶، ۱۴ آبان ۱۳۵۹.

داشته، همین‌هاست که این نهضت را پیش برده [است].^۱
 امام خمینی^{رضوان‌الله‌علیه} لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه
 حق (علیهم‌سلام‌الله)، به‌طور کوبنده، فجایع و ستمگری‌های ستمگران هر عصر و
 مصر^۲ یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به‌دست آمریکا
 و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ
 الهی (لعنت‌الله‌وملائکت‌ه‌ورسله‌علیهم) است، به‌طور کوبنده، یادآوری و لعن و نفرین
 شود.^۳

۵-۳-۳. مبارزه دشمنان با عزاداری به‌خاطر وجه سیاسی آن

امام خمینی^{رضوان‌الله‌علیه} این مظاهر و مشائر^۴ و اموری که در اسلام در آن سفارش شده، باید فکر
 کنید که این‌ها یک مسئله سطحی نبوده است که می‌خواستند جمع بشوند و گریه
 کنند؛ خیر! ما ملت گریه سیاسی هستیم. ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها، سیل
 جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است. چطور
 شد که این‌ها در زمان رضاخان [در] یک محفلی جمع شدند و برای شکست ایران
 از اسلام^۵ گریه کردند. اگر گریه اشکال داشت، چطور این‌ها گریه کردند؟! این‌ها
 می‌خواستند که مجوس را و آن ملت و ملیتی که در نظر خودشان است، احیا کنند؛
 لهذا، در آن محفل، حرف‌ها زده شد و گریه‌ها شد، برای اینکه چرا مجوس از اسلام
 شکست خورده است. آن افکار پوسیده، الان هم در مغزهای بعضی‌ها هست. این‌ها
 نمی‌خواهند که شما برای یک شهید اسلام گریه کنید. اگر چنانچه برای شکست
 [ایران از] اسلام گریه کنید، آن‌ها می‌گویند: «نه، گریه چیز خوبی است!» این‌ها

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۵، ۴ آبان ۱۳۶۰.

۲. سرزمین.

۳. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۳.

۴. شعائر.

۵. به ورود اسلام به ایران، پس از رحلت پیامبر اعظم ﷺ اشاره می‌کند.

نمی‌خواهند که شما برای کسی که همه چیزش را برای اسلام داد، این‌ها نمی‌خواهند شما زنده نگه دارید یک واقعه‌ای را که قدرت‌های بزرگ را آن واقعه کوبید و در اثر او، شما هم اگر [آن‌طور] بشوید، می‌کوبید. این‌ها نمی‌خواهند این مسائل واقع بشود، مع‌الأسف تبلیغ می‌کنند این منحرفین. این‌هایی که مأمورند که این جور تبلیغات را بکنند و جوان‌های ما، بعضی‌شان، باورش‌ان می‌آید. باید جوان‌های ما بدانند که هر نحو تبلیغی که بر ضد یکی از مظاهر اسلامی واقع شد، این تبلیغی است که از جانب بزرگ‌ترها و چپاولگرها به‌دست عمالشان واقع می‌شود برای اینکه اسلام را بکوبد. این جوان‌های ما که بحمدالله مُسَلِّم‌اند و فعال، باید توجه بکنند به اینکه هر یک از این شاعر اسلامی چه چیزی دارد که این‌ها با آن مخالف‌اند. چی زیر سر عمامه است که این‌ها مخالف‌اند و چی زیر سر مجالس عزاست که این‌ها با آن مخالف‌اند؟ از این، چه چیزی می‌آید؟ از مجالس عزا، هماهنگ کردن همه ملت [ممکن می‌شود]. همه ملت در یک روزی از منزل‌ها بیرون می‌ریزند و فریاد می‌زنند و اگر یک وقتی این‌ها فکر این را بکنند که در این روز این‌ها را منسجم، بر ضد یک قدرتی، بکنند، چه خواهد شد؟ این‌ها از این می‌ترسند... هی بنشینید گریه کنید؛ اما نفت را به ما بدهید، ما اشکال نداریم. هی مجلس بگیرید. با ما مخالفت نکنید، اشکال ندارد. این‌ها از این مجالس از آن جنبه سیاسی‌اش می‌ترسند.^۱

اما رضوان‌الله‌علیه رضاخان را آورده بودند برای سرکوب کردن اسلام و یکی از راه‌هایش همین بود که این مجالس را از دست شما بگیرند. جوان‌های ما خیال نکنند که دارند یک خدمتی می‌کنند [که] می‌روند توی مجلس. اگر صحبت عزا بشود، می‌گویند: «نه؛ این را نگو!» غلط است این حرف. باید این را بگوید! باید این ظلم‌ها را بگوید تا مردم بفهمند که چه گذشته آن وقت و باید هر روز این کار بشود. این جنبه سیاسی دارد، جنبه اجتماعی دارد.^۲

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۶، ۱۴ آبان ۱۳۵۹.

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ۳۰ مهر ۱۳۵۸.

۶. انحرافات عزاداری

امام خمینی^{علیه‌السلام}؛ اگر چنانچه یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی‌اطلاع از مسائل اسلام بوده [است]، آن‌ها باید یک قدری تصفیه بشود؛ لکن عزاداری به‌همان قوت خودش باید باقی بماند.^۱

۶-۱. انحراف‌های فکری

۶-۱-۱. جدا کردن مسائل اعتقادی اسلام از مسائل عاطفی و احساسی

رَبِّ الْعَالَمِينَ^{منظومه}: ما یک چیز استثنائی داریم که هیچ‌جا آن را ندارند؛ هیچ مذهبی نتوانسته این هنر را اولاً این‌طور تجسم ببخشد و ثانیاً ماندگار کند؛ یعنی ایمان و عاطفه را در هم بیچند و این جریان مواج را در تاریخ به‌وجود آورند و روز به روز هم زنده‌تر شوند.^۲

رَبِّ الْعَالَمِينَ^{منظومه}: مبدا کسی خیال کند که درزمینه فکر و منطق و استدلال، دیگر چه جایی برای گریه‌کردن و این بحث‌های قدیمی است. نه، این خیال باطل است. عاطفه به‌جای خود و منطق و استدلال هم به‌جای خود. هریک سهمی در بنای شخصیت انسان دارد. خیلی از مسائل است که باید آن‌ها را با عاطفه و محبت حل کرد و در آن‌ها جای منطق و استدلال نیست. شما اگر در نهضت‌های انبیا ملاحظه کنید، خواهید دید وقتی که پیغمبران مبعوث می‌شدند، در وهلهٔ اول که عده‌ای دور آن‌ها را می‌گرفتند، عامل اصلی، منطق و استدلال نبود. شما در تاریخ پیغمبر اسلام که مدوّن و روشن هم هست، کجا سراغ دارید که آن حضرت کسانی از کفار قریش را که مثلاً استعداد و قابلیت داشته‌اند، در مقابل خود نشانده و برایشان استدلال کرده باشد که به این دلیل خدا هست یا به این دلیل خدا واحد است یا به این دلیل و استدلال عقلانی، بت‌هایی را که می‌پرستید، باطل‌اند؟ دلیل و استدلال، زمانی کاربرد دارد که نهضت پیش رفته است. در وهلهٔ اول، حرکت، حرکتی احساسی و عاطفی است. در

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴، ۴ آبان ۱۳۶۰.

۲. بیانات در دیدار با مسئولان هیئت‌های رزمندگان اسلام از سراسر کشور، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰.

وهله اول این است که ناگهان فریاد می‌زند «نگاه کنید به این بت‌ها و ببینید که این‌ها ناتوان‌اند!» در وهله اول می‌گوید نگاه کنید که خدای متعال واحد است «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»^۱. به چه دلیل «لا اله الا الله» موجب فلاح است؟ اینجا کدام استدلال عقلانی و فلسفی وجود دارد؟ البته در خلال هر احساسی که صادق باشد، یک برهان فلسفی خوابیده است؛ اما بحث سر این است که نبی وقتی می‌خواهد دعوت خود را شروع کند، استدلال فلسفی مطرح نمی‌سازد؛ بلکه احساس و عاطفه صادق را مطرح می‌کند. البته آن احساس صادق، احساس بی‌منطق و غلط نیست، احساسی است که در درون خود، استدلالی هم دارد. اول توجه را به ظلمی که در جامعه جاری است، اختلاف طبقاتی‌ای که وجود دارد و فشاری که «انداد الله»^۲ از جنس بشر و شیاطین انس بر مردم وارد می‌کنند، معطوف می‌سازد. این، همان عواطف و احساسات است. البته بعد که حرکت وارد جریان معقول و عادی خود شد، نوبت استدلال منطقی هم می‌رسد؛ یعنی کسانی که دارای تحمل عقلی و پیشرفت فکری هستند، به استدلال‌های عالی می‌رسند؛ ولی بعضی افراد هم، در همان درجات ابتدایی می‌مانند. درعین حال، معلوم هم نیست آن‌هایی که از لحاظ استدلال، سطح بالاتری دارند، از لحاظ درجات معنوی هم، حتماً سطح بالاتری داشته باشند. نه. گاهی کسانی که سطح استدلالی پایین‌تری دارند؛ اما جوشش عواطفشان بالاست، ارتباط و علقه‌شان با مبدأ غیبی بیشتر و محبتشان نسبت به پیغمبر، جوشان‌تر است و به درجات عالی‌تری می‌رسند. قضیه این‌گونه است.^۳

ربیع‌الاول منظره: در حرکت‌های معنوی، عاطفه سهم و جای خود را دارد. نه عاطفه جای استدلال را می‌گیرد و نه استدلال می‌تواند به جای عواطف بنشیند. حادثه عاشورا، در ذات و طبیعت خود، یک دریای خروشان عواطف صادق است.^۴

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۴۳.

۲. شریک‌هایی که برای خدا قائل شده‌اند.

۳. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۴. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: در آن روزهایی که مسائل اسلامی، با دیدهای نو مطرح می‌شد و جاذبه‌های خوبی هم داشت و برای کسانی که با دین و اسلام سروکار زیادی نداشتند، موضوع مبارکی هم بود و گرایش‌های نو در تفکر اسلامی، چیز بدی نبود؛ بلکه برای عالم اسلام و به‌خصوص قشر جوان، ذخیره محسوب می‌شد، یک گرایش شبه‌روشن‌فکرانه به‌وجود آمده بود که ما بیابیم مسائل ایمانی و اعتقادی اسلام را از مسائل عاطفی و احساسی، از جمله مسائل مربوط به عاشورا و روضه‌خوانی‌ها و گریه، جدا کنیم.

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: شاید بسیاری در آن روزها بودند که باتوجه‌به اینکه در ماجرای ذکر عاشورا و روایت فداکاری ابا عبد الله علیه السلام چیزهایی وارد شده بود و احياناً به شکل‌های تحریف‌آمیزی بیان می‌شد، این حرف برایشان مطلوب و شیرین بود و این گرایش رشد می‌کرد؛ لیکن در صحنه عمل، ما به‌وضوح دیدیم که تا وقتی این مسئله از طرف امام بزرگوارمان، به‌صورت رسمی و علنی و در چارچوب قضایای عاشورا مطرح نشد، هیچ کار جدی و واقعی انجام نگرفت.^۱

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: امام (رضوان الله تعالی علیه) با ظرافت، آن تصور غلط روشن‌فکرانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان جهت‌گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت‌گیری عاطفی در قضیه عاشورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زائد و تجملاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین علیه السلام و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار، چه به‌صورت روضه‌خوانی و چه به‌شکل مراسم عزاداری گوناگون، باید به‌شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه‌برانگیز و تکان‌دهنده دل‌ها، در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قوی‌تر هم بشود. ایشان بارها بر این مطلب تأکید می‌کردند و عملاً هم خودشان وارد می‌شدند.^۲

۱. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۲. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۶-۱-۲. ایمنی از مجازات الهی به دلیل حب اهل بیت علیهم السلام

رب مظفر منظله: شعری که الان برادرمان خواندند، مضمون درستی نیست که ما بگوییم چون شیعه و محب هستیم، اگر گناه هم کردیم، خدای متعال ما را مجازات نمی‌کند؛ نه، این طور نیست: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ»؛ «وَلِيٌّ أَنْهَا بَايِدَ خدَا رَا اطَاعَتِ كُنْد؛ چون خود این بزرگواران با اطاعت خدا به این مقام و رتبه رسیدند. امتحان این‌ها، قبل از وجود و آمدنشان به این دنیا صورت گرفته است: «يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً».^۲ دستگاه خدا بی حساب و کتاب نیست. در روایتی پیغمبر اکرم به فاطمه زهرا علیها السلام با این مقام و رتبه فرمود: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّنِي لَنْ أَعْنِي عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً»؛^۳ یعنی پیش خدا، نسبت با من و ارتباط با من به درد تو نمی‌خورد. مگر در میان فرزندان پیغمبر و ائمه، کسانی نبودند که با خدا رابطه‌ای نداشتند و نتوانستند از آن گوهر نورانی و ارزش معنوی برخوردار شوند؟ آنچه اولیای دین را بر قله شرافت بشری قرار داده [است]، از خود شخص شخیص نبی اکرم و امیرالمؤمنین و بقیه این خاندان پاک گرفته، که این‌ها در عالم وجود، نمونه‌های بی‌ماندند و شبیه این‌ها دیگر نیست، تا دیگران، اطاعت و عبودیت و بندگی آن‌ها برای خداست؛ لذا وقتی شما می‌خواهید در تشهد نمازتان، نام پیغمبر خدا را بیاورید و از او تجلیل کنید، می‌گویید «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ». اول عبودیت را ذکر می‌کنید، بعد می‌گویید «وَرَسُولُهُ». عبودیت بالاتر از رسالت است. اساس و جوهر کار، عبودیت است. من و شما هم باید از همین جاده برویم. البته این قله‌ها خیلی بالاست. اگر چشم ما بتواند این قله‌ها را ببیند، خیلی باید خدا را شکرگزار باشیم؛ چه برسد که به آن

۱. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴.

۲. امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «اگر سر قبر جدهات فاطمه علیها السلام رفتی بگو: 'ای امتحان شده‌ای که خداوند قبل از آنکه تو را بیافریند، امتحان کرد و تو را برای آنچه امتحان کرد، صابر دید» (محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰).

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۳۴؛ التعجب، ص ۹۴.

جاها برسیم؛ لیکن باید برویم؛ راه این است. این دامنه‌ها را باید به‌قدر قدرت و توانمان طی کنیم؛ که اگر این‌طور شد، به‌قدر ظرفیت‌مان بهره خواهیم برد.^۱

۳-۱-۶. تحریف چهره واقعی امام حسین علیه السلام

رهبر معظم انقلاب منظومه: عزیزان من، مؤمنین به حسین بن علی علیه السلام! امروز حسین بن علی می‌تواند دنیا را نجات دهد؛ به‌شرط آنکه با تحریف، چهره او را مغشوش نکنند. نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشم‌ها و دل‌ها را از چهره مبارک و منور سیدالشهدا علیه السلام منحرف کند. با تحریف مقابله کنید.^۲

۴-۱-۶. افراط و تفریط در طرح مسائل سیاسی در مجالس عزاداری

رهبر معظم انقلاب منظومه: از دو طرف نباید لطمه بخوریم: نه ما باید مسائل سیاسی را به‌کلی از حیطة حرف و گفت و تلاش و مجاهدت تبلیغی خودمان خارج کنیم؛ آن‌چنان که دشمنان روی آن ده‌ها سال سرمایه‌گذاری کردند؛ ولی نهضت اسلامی آمد و این سرمایه‌گذاری را آتش زد و از بین برد و گفتار و اندیشه سیاسی را وارد متن فعالیت‌های دینی کرد، و نه از این طرف باید بیفتیم که تصور کنیم همه منبر، همه تبلیغ، همه مخاطب با مردم و با مؤمنین، یعنی اینکه بنشینیم مسائل امریکا و اسرائیل و مسائل سیاسی را تحلیل کنیم؛ نخیر، یک کار واجب‌تر اگر نباشد، واجب دیگری وجود دارد و آن، دل مخاطب شماست. دل و جان و فکر او را بایستی تعمیر و آباد و سیراب کنیم.^۳

امام خمینی رضوان الله علیه: اهل منبر (ایده‌م‌الله تعالی) کوشش کنند در اینکه مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی اسلامی، مسائل اجتماعی اسلامی و روضه را دست از آن برندارید که ما با روضه زنده هستیم.^۴

امام خمینی رضوان الله علیه: این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه دیگری است که

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به‌مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۲۸ مرداد ۱۳۸۲.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۴. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۸، ۱۱۴ آبان ۱۳۵۹.

هست، بیخود بعضی از ائمه ما نمی‌فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانند، بیخود نمی‌گویند ائمه ما به اینکه هرکس که بگرید، بگریاند یا صورت گریه، گریه کردن به خودش بگیرد، اجرش فلان و فلان است. مسئله، مسئله گریه نیست. مسئله، مسئله تباکی نیست. مسئله، مسئله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را باهم بسیج کنند و یکپارچه کنند، از راه‌های مختلف، این‌ها را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند. مسائل اسلام، مسائل سیاسی است و سیاستش غلبه دارد بر چیزهای دیگرش.^۱

امام خمینی رضوان الله علیه: این عده از جوان‌هایی که این‌طور نیست که سوءنیت داشته باشند، خیال می‌کنند ما حالا باید حرف روز بزنییم، حرف سیدالشهدا حرف روز است. همیشه حرف روز است. اصلاً حرف روز را سیدالشهدا آورده است. دست ماها داده و سیدالشهدا را این گریه‌ها حفظ کرده است مکتبش را.^۲

۶-۲. انحراف‌های عملی

امام خمینی رضوان الله علیه: اینجا باید یک سخنی هم در خصوص عزاداری و مجالسی که به نام حسین بن علی به‌پا می‌شود، بگوییم. ما و هیچ‌یک از دین‌داران نمی‌گوییم که با این اسم، هرکس، هر کاری می‌کند، خوب است. چه بسا علمای بزرگ و دانشمندان، بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و به نوبت خود از آن جلوگیری کرده‌اند.^۳

رئیس‌مجلس مناظر: بنده خیلی متأسفم که بگوییم در این سه چهار سال اخیر، برخی کارها در ارتباط با مراسم عزاداری ماه محرم دیده شده است که دست‌هایی به غلط، آن را در جامعه ما ترویج کرده‌اند. کارهایی را باب می‌کنند و رواج می‌دهند که هرکس ناظر آن باشد، برایش سؤال به وجود می‌آید.^۴

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۸، ۱۴ آبان ۱۳۵۹.

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۵، ۴ آبان ۱۳۶۰.

۳. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۵، ۴ آبان ۱۳۶۰.

۴. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۶-۲-۱. قفل‌زدن به بدن

رهبر عظام: در قدیم الایام بین طبقه عوام الناس معمول بود که در روزهای عزاداری، به بدن خودشان قفل می‌زدند! البته، پس از مدتی، بزرگان و علما آن را منع کردند و این رسم غلط برافتاد؛ اما باز مجدداً شروع به ترویج این رسم کرده‌اند و شنیدم که بعضی افراد، در گوشه‌وکنار این کشور، به بدن خودشان قفل می‌زنند. این چه کار غلطی است که بعضی افراد انجام می‌دهند!

۶-۲-۲. قمه‌زنی

رهبر عظام: عرایض این جانب به مردم متدین و عاشق خاندان نبوت و ولایت علیهم‌السلام از روی دلسوزی است، این جانب می‌بینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، موردجفا در قضاوت‌های جهانی واقع می‌شود. چگونه درک روشن‌بینانه آنان در اعتقاد به مقام والای اهل بیت علیهم‌السلام به‌خاطر بعضی اعمال جاهلانه، حمل بر اموری می‌شود که از ساحت شیعه و ائمه بزرگوارشان بسی دور است. می‌بینم که چگونه عزاداری بر جگرگوشگان زهرای اطهر علیها‌السلام موردتبلیغ سوء دشمنان متعصب و تبلیغات‌چی‌های شیطان استعمار قرار می‌گیرد. می‌بینم که بعضی اعمالی که هیچ ریشه دینی هم ندارد، بهانه به‌دست دشمن مغرض می‌دهد که بدان وسیله هم اسلام و تشیع را العیاذبالله به‌عنوان آئین خرافه معرفی کنند و هم بغض و عداوت خود را نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند. شیعه محب و مخلصی که در روز عاشورا با قمه، سر و روی خود و حتی کودکان خردسال خود را خونین می‌کند، آیا راضی است که با این عمل خود، در روزگاری که هزاران چشم عیب‌جو و هزاران زبان بدگو، در پی بدمعرفی کردن اسلام و تشیع است، عمل او را مستمسک دشمنی خود قرار بدهد؟! آیا راضی است که با تظاهر به این عمل، خون ده‌ها هزار جوان بسیجی صفت عاشق را که برای

آبرودادن به اسلام و تشیع و نظام جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده است، ضایع سازد؟!

رهبر معظم انقلاب: آنچه از قول مراجع سلف (رحمة الله علیهم) نقل شده است، بیش از این نیست که اگر این کار ضرر معتنا به ندارد، جایز است؟ آیا سبک کردن شیعه در افکار جهانیان، ضرر معتنا به نیست؟ آیا مخدوش کردن محبت و عشق شیعیان به خاندان مظلوم پیامبر صلی الله علیه و آله و به خصوص شیفتگی بی حد و حصر آنان به سالار شهیدان علیه السلام را بدجلوه دادن، ضرر نیست؟ کدام ضرر از این بالاتر است؟ اگر قمه زدن به صورت عملی انفرادی در خانه‌های دربسته انجام می‌گرفت، ضرری که ملاک حرمت است، فقط ضرر جسمی بود؛ ولی وقتی این کار علی زُئوس الأَشهاد^۱ و در مقابل دوربین‌ها و چشم‌های دشمنان و بیگانگان، بلکه در مقابل چشم جوانان خودمان انجام می‌گیرد، آن وقت دیگر ضرری که باید معیار حرمت باشد، فقط ضرر جسمی و فردی نیست؛ بلکه مضرات بزرگ تبلیغی که با آبروی اسلام و شیعه سروکار دارد نیز باید مورد توجه باشد. امروز این ضرر، بسیار بزرگ و شکننده است و لذا قمه زدن علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است. البته کسانی که در سال‌های گذشته از روی عشق و اخلاص قمه زده‌اند، مأجورند و به خاطر نیتشان مستوجب ثواب الهی‌اند، ان شاء الله.^۲

رهبر معظم انقلاب: قمه زدن هم از کارهای خلاف است. می‌دانم عده‌ای خواهند گفت: «حق این بود که فلانی اسم قمه را نمی‌آورد.» خواهند گفت: «شما به قمه زدن چه کار داشتید؟ عده‌ای می‌زنند، بگذارید بزنند.» نه، نمی‌شود در مقابل این کار غلط سکوت کرد.

رهبر معظم انقلاب: اگر به گونه‌ای که طی چهار پنج سال اخیر بعد از جنگ، قمه زدن را ترویج کردند و هنوز هم می‌کنند، در زمان حیات مبارک امام (رضوان الله علیه) ترویج می‌کردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه می‌ایستادند. کار غلطی است که عده‌ای

۱. در منظر بینندگان.

۲. پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل (حجت الاسلام والمسلمین مروّج)، ۲۷ خرداد ۱۳۷۳.

قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را می‌کنند که چه بشود؟! کجای این حرکت، عزاداری است؟!

رب‌مُعْظَمُ النَّبَلِ: البته، دست بر سر زدن، به‌نوعی نشانه‌ی عزاداری است. شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می‌آید، بر سر و سینه‌ی خود می‌کوبند. این نشانه‌ی عزاداری معمولی است؛ اما شما تا به حال کجا دیده‌اید که فردی به‌خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟! قمه‌زدن، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف، دستشان بسته بود و نمی‌توانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است.» امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه‌ی اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه‌ی اسلامی برتر، یعنی جامعه‌ی محب اهل‌بیت علیهم‌السلام که به‌نام مقدس ولی عصر (ارواح‌نفاذ) به‌نام حسین بن علی علیه‌السلام و به‌نام امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة‌والسلام) مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم، به‌عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی‌منطق معرفی شوند. من حقیقتاً هر چه فکر کردم، دیدم نمی‌توانم این مطلب، قمه‌زدن، را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به‌اطلاع مردم عزیزمان نرسانم. این کار را نکنند. بنده راضی نیستم.

رب‌مُعْظَمُ النَّبَلِ: اگر کسی تظاهر به این معنا کند که بخواهد قمه بزند، من قلباً از او ناراضی‌ام. این را من جداً عرض می‌کنم. یک‌وقت بود در گوشه‌وکنار، چند نفر دور هم جمع می‌شدند و دور از انظار عمومی، مبادرت به قمه‌زنی می‌کردند و کارشان، تظاهر، به این معنا که امروز هست، نبود. کسی هم به خوب و بد عملشان کار نداشت؛ چراکه در دایره‌ی محدودی انجام می‌شد. اما یک‌وقت بناست که چند هزار نفر، ناگهان در خیابانی از خیابان‌های تهران یا قم یا شهرهای آذربایجان و یا شهرهای خراسان، ظاهر شوند و با قمه و شمشیر بر سر خودشان ضربه وارد کنند. این کار، قطعاً خلاف است. امام حسین علیه‌السلام به این معنا راضی نیست. من نمی‌دانم کدام سلیقه‌هایی و

از کجا این بدعت‌های عجیب و خلاف را وارد جوامع اسلامی و جامعه انقلابی ما می‌کنند؟!^۱

رهبر معظم انقلاب: من در دو سه سال قبل از این، راجع به قمه‌زدن مطلبی را گفتم و مردم عزیز ما، آن مطلب را با همه وجود پذیرفتند و عمل کردند.

اخیراً مطلبی را کسی به من گفت که خیلی برایم جالب و عجیب بود. برای شما هم آن مطلب را نقل می‌کنم. کسی که با مسائل کشور شوروی سابق و این بخشی که شیعه‌نشین است، جمهوری آذربایجان، آشنا بود، می‌گفت: آن زمان که کمونیست‌ها بر منطقه آذربایجان شوروی سابق مسلط شدند، همه آثار اسلامی را از آنجا محو کردند. مثلاً مساجد را به انبار تبدیل کردند، سالن‌های دینی و حسینیه‌ها را به چیزهای دیگری تبدیل کردند و هیچ نشانه‌ای از اسلام و دین و تشیع باقی نگذاشتند.

رهبر معظم انقلاب: فقط یک چیز را اجازه دادند و آن قمه‌زدن بود! دستورالعمل رؤسای کمونیستی به زیردستان خودشان این بود که مسلمانان حق ندارند نماز بخوانند، نماز جماعت برگزار کنند، قرآن بخوانند، عزاداری کنند، هیچ کار دینی نباید بکنند؛ اما اجازه دارند قمه بزنند!

چرا؟ چون قمه‌زدن، برای آن‌ها یک وسیله تبلیغ بر ضد دین و بر ضد تشیع بود؛ بنابراین، گاهی دشمن از بعضی چیزها، این‌گونه علیه دین استفاده می‌کند. هر جا خرافات به میان آید، دین خالص بدنام خواهد شد.^۲

رهبر معظم انقلاب: این‌طور نباشد که وقتی مطلب حقی در مرکزی گفته می‌شود و مسئول و روحانی روشن‌فکر و آگاهی، آن را بیان می‌کند، ناگهان با این توهم یا با این وسوسه که اصل عزاداری امام حسین زیر سؤال برده شد، جریانی درست شود؛ کمالینکه ما دیدیم در قضیه قمه‌زنی همین‌طور شد. به نظر ما قمه‌زنی یک خلاف‌شرع قطعی بود و هست. این را ما اعلام کردیم و بزرگانی هم حمایت کردند؛ اما بعد دیدیم از

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی رحمته سابق حرم مطهر رضوی، ۱ فروردین ۱۳۷۶.

گوشه‌وکنار کسانی درجهت عکس این عمل می‌کنند! اگر قمه‌زنی اشکال هم نداشته باشد و حرام هم نباشد، واجب که نیست؛ چرا در جاهایی برای این چیزهای بعضاً خرافی، انگیزه وجود دارد؟ آن‌هایی هم که جنبه خرافی محض ندارد، لاقلاً این مقدار هست که در دنیای امروز، در ارتباطات امروز، در فرهنگ رایج جهانی امروز، در عقلانیاتی که امروز در داخل خانه‌های ما و بین جوانان و دختران و پسران ما رایج است، عکس‌العمل نامناسب ایجاد خواهد کرد. این‌ها از بینات شرع نیست که ما بگوییم چه دنیا بپسندد، چه نپسندد، ما باید این‌ها را بگوییم. حداقل این‌ها چیزهای مشکوک‌فیه است. برای این موضوع فکری بکنید و کاری انجام دهید. این هم با اشاره‌ای که شما در بیانیه اجلاس کردید، به دست نمی‌آید.^۱

رهبر معظم انقلاب^{علیه‌السلام}: دین، منطقی است. اسلام، منطقی است و منطقی‌ترین بخش اسلام، تفسیری است که شیعه از اسلام دارد؛ تفسیری قوی. متکلمین شیعه، هر یک در زمان خود، مثل خورشید تابناکی می‌درخشیدند و کسی نمی‌توانست به آن‌ها بگوید «شما منطقتان ضعیف است...» کتاب‌های مرحوم شرف‌الدین و نیز الغدیر مرحوم علامه امینی، در زمان ما، سرتاپا استدلال، بتون‌آرمه و مستحکم است. تشیع این است یا مطالب و موضوعاتی که نه فقط استدلال ندارد؛ بلکه «اشبه شیء بالخرافة» است؟! چرا این‌ها را وارد می‌کنند؟! این خطر بزرگی است که در عالم دین و معارف دینی، مرزداران عقیده باید متوجهش باشند. عرض کردم عده‌ای وقتی این حرف را بشنوند، مطمئناً از روی دلسوزی خواهند گفت: «خوب بود فالانی این حرف را امروز نمی‌زد.» نه، من بایستی این حرف را می‌زدم. من باید این حرف را بزنم. بنده مسئولیت‌م بیشتر از دیگران است. البته آقایان هم باید این حرف را بزنند. شما آقایان هم باید بگویید. امام بزرگوار، خطشکنی بود که هر جا انحرافی در نکته‌ای مشاهده می‌کرد، با کمال قدرت و بدون هیچ ملاحظه‌ای، بیان می‌فرمود. اگر این بدعت‌ها و خلاف‌ها در

۱. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۷ اسفند ۱۳۸۳.

زمان آن بزرگوار می بود یا به این رواج می رسید، بلاشک می گفت. البته عده ای هم که به این مسائل دل بسته اند، متأدّی خواهند شد که چرا فلانی به موضوع مورد علاقه ما این طور بی محبتی کرد و با این لحن از آن یاد نمود. آن ها هم البته، اغلب، مردمان مؤمن و صادق و بی غرضی هستند؛ اما اشتباه می کنند.^۱

۶-۲-۳. انجام دادن حرکات وهن آمیز در زیارت

ربّ مطهرنا و مطهرنا؛ اخیراً یک بدعت عجیب و غریب و نامأنوس دیگر هم در باب زیارت درست کرده اند! بدین ترتیب که وقتی می خواهند قبور مطهر ائمه علیهم السلام را زیارت کنند، از در صحن که وارد می شوند، روی زمین می خوابند و سینه خیز خود را به حرم می رسانند! شما می دانید که قبر مطهر پیغمبر (صلوة الله علیه) و قبور مطهر امام حسین، امام صادق، موسی بن جعفر، امام رضا و بقیه ائمه علیهم السلام را همه مردم، ایضاً علما و فقهای بزرگ، در مدینه و عراق و ایران، زیارت می کردند. آیا هرگز شنیده اید که یک نفر از ائمه علیهم السلام و یا علما، وقتی می خواستند زیارت کنند، خود را از در صحن، به طور سینه خیز به حرم برسانند؟! اگر این کار، مستحسین و مستحب بود و مقبول و خوب می نمود، بزرگان ما به انجامش مبادرت می کردند؛ اما نکردند. حتی نقل شد که مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی (رضوان الله تعالی علیه)، آن عالم بزرگ و مجتهد قوی و عمیق و روشن فکر، عتبه بوسی را با اینکه شاید مستحب باشد، منع می کرد. احتمالاً استحباب بوسیدن عتبه، در روایت وارد شده است. در کتب دعا که هست. به ذهنم این است که برای عتبه بوسی، روایت هم وجود دارد. با اینکه این کار مستحب است، ایشان می گفتند «انجامش ندهید تا مبادا دشمنان خیال کنند سجده می کنیم و علیه شیعه، تشنّعی درست نکنند.» اما امروز، وقتی عده ای وارد صحن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه الصلوة والسلام) می شوند، خود را به زمین می اندازند و دو بیست متر راه را به طور سینه خیز می پیمایند تا خود را به حرم برسانند! آیا این کار درستی است؟ نه؛ این کار، غلط است. اصلاً اهانت به دین و زیارت است. چه کسی چنین بدعت هایی را بین مردم

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

رواج می‌دهد؟ نکند این هم کار دشمن باشد؟! این‌ها را به مردم بگویند و ذهن‌ها را روشن کنید.^۱

۷. ثمره‌ها و برکت‌های مجالس ذکر و عزای اهل بیت علیهم‌السلام

رهبر عظیم‌المرتبت: یک مقوله دیگر که به مناسبت محرم قابل بحث است... مقوله عزاداری حسین بن علی علیه‌السلام و برکات احیای ذکر عاشورا است. تحقیقاً یکی از مهم‌ترین امتیازات جامعه شیعه بر دیگر جوامع مسلمان، این است که جامعه شیعه، برخوردار از خاطره عاشورا است. از همان روزی که موضوع ذکر مصیبت حسین بن علی علیه‌السلام مطرح شد، چشمه جوشانی از فیض و معنویت در اذهان معتقدین و محبین اهل بیت علیهم‌السلام جاری گشت. این چشمه جوشان، تا امروز همچنان ادامه و جریان داشته است. بعد از این هم خواهد داشت و بهانه آن هم یادآوری خاطره عاشورا است.^۲

۷-۱. تربیت انسان مطلوب اسلام

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه: این‌ها نمی‌فهمند که این روزه و این گریه، آدم‌ساز است؛ انسان درست می‌کند این مجالس روزه، این مجالس روزه، این مجالس عزای سیدالشهدا و آن تبلیغات بر ضد ظلم.^۳

رهبر عظیم‌المرتبت: این مجالس بایستی این چیزها [قرآن و دین و همان معارفی که امام حسین علیه‌السلام فدای آن شد] را نشان دهد. شما این قضیه را مقایسه کنید با آن جلسه‌ای که مستمع، دو ساعت از اول تا آخر جلسه می‌نشیند؛ اما هرچه گوش می‌کند، می‌بیند چیزی از این جلسه گیرش نیامد. بعضی از مجالس این طوری است؛ بنابراین آب‌ورنگ جلسه کافی نیست، باید روح جلسه هم این معنا را داشته باشد. این چگونه حاصل می‌شود؟

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۲. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۳. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۰۱.

رب مبغضنا منقلب: ... منبرها و سخنرانی‌های جلسات شما سازنده باشد؛ یعنی به گونه‌ای باشد که اگر کسی مثلاً سه سال در هیئت شما رفت و آمد می‌کند، بعد از این مدت، عوام از این جلسه بیرون نرود؛ [بلکه] فهمیده و آگاه و با معلومات خارج شود. منبر باید آدم‌ساز و فکرساز باشد. البته من این نکته را باید به منبری‌ها بگویم و می‌گویم؛ اما به شما هم باید بگویم؛ چون شما سخنران را انتخاب می‌کنید... سخنران باید از اول دهه تا آخر دهه یا در جلسات متناوب هفتگی و...، مثل یک کلاس درس، خطی را دنبال کند و نکوید نمی‌پسندند.^۱

۲-۷. ایجاد روحیه مجاهدت و شهادت طلبی

امام مؤمنین حسین علیه السلام: در این مجالس عزا و سوگواری و نوحه‌سرایی برای سید مظلومان و اظهار مظلومیت یک کسی که برای خدا و برای رضای او، جان خودش و دوستان و اولاد خودش را فدا کرده است، این طور ساخته جوانانی را که می‌روند در جبهه‌ها و شهادت را می‌خواهند و افتخار به شهادت می‌کنند و اگر شهادت نصیب‌شان نشود، متأثر می‌شوند و آن طور مادران را می‌سازد که جوان‌های خودشان را از دست می‌دهند و باز می‌گویند باز هم یکی دو تا داریم. این مجالس عزای سیدالشهداست و مجالس دعا و دعای کمیل و سایر ادعیه است که می‌سازد این جمعیت را این طور و اساس [آن] را اسلام از اول بنا کرده است، به طوری که با همین ایده و با همین برنامه به پیش برود و اگر چنانچه واقعاً بفهمند و بفهمانند که مسئله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه این قدر ارج پیدا کرده و اجر پیش خدا دارد، آن وقت ما را «ملت گریه» نمی‌گویند. ما را «ملت حماسه» می‌خوانند.^۲

ملت ما از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتادساله را در راه خدا فدا کرد و این، اقتدا به بزرگ‌مرد تاریخ، حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) است...^۳

۱. بیانات در دیدار با مسئولان هیئت‌های رزمندگان اسلام از سراسر کشور، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰.

۲. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از خطباء، علما، روحانیان و مداحان، در آستانه محرم، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

امام خمینی رضوان الله علیه حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول [می]دانست که در این راه که می‌رود، راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام، قربانی کند؛ لکن عاقبتش را هم می‌دانست. اگر نبود این نهضت، نهضت حسین علیه السلام، یزید و اتباع یزید، اسلام را وارونه به مردم نشان می‌دادند. از اول، این‌ها اعتقاد به اسلام نداشتند و نسبت به اولیای اسلام، حقد و حسد داشتند. سیدالشهدا با این فداکاری که کرد، علاوه بر اینکه آن‌ها را به شکست رساند و اندکی که گذشت، مردم متوجه شدند که چه غائله‌ای و چه مصیبتی وارد شد و همین مصیبت موجب به هم خوردن اوضاع بنی‌امیه شد، علاوه بر این، در طول تاریخ آموخت به همه که راه، همین است. از قَلتِ عدد نترسید. عدد کار پیش نمی‌برد. کیفیت اعداد، کیفیت جهاد مقابل اعدا، آن است که کار را پیش می‌برد. افراد ممکن است خیلی زیاد باشند؛ لکن در کیفیت ناقص باشند یا پوچ و افراد ممکن است کم باشند؛ لکن در کیفیت توانا باشند و سرافراز...^۱

امام خمینی رضوان الله علیه تکلیف ماها را حضرت سیدالشهدا معلوم کرده است. در میدان جنگ از قَلتِ عدد نترسید. از شهادت نترسید. هر مقدار که عظمت داشته باشد مقصود و ایده انسان، به همان مقدار باید تحمل زحمت بکند. ما باز درست نمی‌توانیم ادراک کنیم که حجم این پیروزی چقدر است. دنیا بعد خواهد ادراک کرد که این پیروزی ملت ایران چه حجمی دارد. به همان حجمی که این پیروزی دارد و این مجاهدت همان حجمی را که دارد، در ازائش مصیبت‌ها هم باید حجم‌شان زیاد باشد. ما نباید متوقع باشیم که همه قدرت‌ها را، دستشان را از منافع‌شان در اینجا و ان‌شاء الله در منطقه کوتاه کردیم و متوقع این باشیم که هیچ صدمه‌ای به ما وارد نمی‌شود. ما نباید متوقع باشیم که با این‌همه پیروزی، ما همین‌طور سالم خواهیم ماند. ما... همان‌طوری که سابق بوده،

حالا هم باید باشیم.^۱

این کشور ما... از اول هم که قیام کرد، جمهوری اسلامی و استقلال کامل و نه شرقی و نه غربی را اعلام به دنیا کرد و از اول اعلام کرد به دنیا که ما نه تحت حمایت آمریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم. ما بیم و تحت عنایات خدای تبارک و تعالی و پرچم توحید که همان پرچم امام حسین علیه السلام است. وقتی این اعلام را شما به دنیا کردید، معلوم است پشت سر این اعلام، دنیا بر ضد شما خواهند قیام کرد. از اول باید توجه به این معنا بکنید که ما هم همان طوری که سیدالشهدا در مقابل آن همه جمعیت و آن همه اسلحه‌ای که آن‌ها داشتند، قیام کرد تا شهید شد، ما هم همین طور، ما هم برای شهادت حاضریم. الان هم می‌بینید که در عین حالی که عده‌ای از بزرگان جمعه^۲ را از بین بردند، آن‌هایی که الان هستند، تمام با روی گشاده، اعلام می‌کنند که ما تا مرز شهادت، این پست را داریم و حاضریم. همه باید این طور باشند.^۳

امام رضوان الله علیه غم‌خیزی؛ اگر چنانچه یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی‌اطلاع از مسائل اسلام بوده، آن‌ها باید یک قدری تصفیه بشود؛ لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند، روضه را همان طور که سابق می‌خواندند و مرثیه را همان طور که سابق می‌خواندند، بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری.^۴

امام رضوان الله علیه غم‌خیزی؛ این خون سیدالشهداست که خون‌های همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دستجات عزیز عاشورا است که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند. در این امر، سستی نباید کرد.^۵

۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

۲. منظور ائمه جمعه‌هایی است که شهید شده‌اند.

۳. صحیفه نور، ج ۱۷، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

۴. صحیفه نور، ج ۱۵، ۴ آبان ۶۰.

۵. صحیفه نور، ج ۱۵، ۴ آبان ۱۳۶۰.

۷-۳. سازماندهی مردمی، در مقابل ظالمان

امام خمینی رضوان الله علیه در طول تاریخ، این مجالس عزا که یک سازماندهی سرتاسری در کشورهای اسلامی هست و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه هست، در مقابل حکومت‌هایی که پیش می‌آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آن‌ها، آن‌ها را می‌ترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود.^۱

امام خمینی رضوان الله علیه در دفعه اول که مرا از قم گرفتند و بردند، در بین راه... [یکی] از این مأمورینی که بودند در آن اتومبیل من، می‌گفت که ما [که] آمدیم سراغ شما، از این چادرهایی که در قم بود، می‌ترسیدیم که مبدا این‌ها مطلع بشوند و ما نتوانیم انجام وظیفه کنیم. این‌ها که هیچ، قدرت‌های بزرگ از این چادرها می‌ترسند. قدرت‌های بزرگ از این سازمانی که بدون اینکه دست واحدی در کار باشد که آن‌ها را مجتمع کند، خودبه‌خود ملت را به هم جوشانده‌اند در سراسر یک کشور، کشور پهناور [می‌ترسند]. در ایام عاشورا و در دو ماه محرم و صفر و در ماه مبارک، این مجالس است که مردم را دور هم جمع کرده است و اگر... [کسی] بخواهد برای اسلام خدمتی بکند و شخصی بخواهد که مطلبی را بگوید، سرتاسر کشور به‌واسطه همین گویندگان و خطبا و ائمه جمعه و جماعت، یک دفعه منتشر می‌شود و اجتماع مردم در تحت این بیرق الهی، این بیرق حسینی، اسباب این می‌شود که سازمان داده شده باشد. اگر قدرت‌های بزرگ در منطقه‌های خودشان بخواهند که یک اجتماعی ایجاد کنند، با فعالیت‌های زیادی که شاید چند روز یا چند دهه می‌کنند، در یک شهری، یک عده، فرض کنید صدهزار نفری، پنجاه‌هزار نفری، با خرج‌های زیاد و زحمت‌های زیاد مجتمع می‌شوند و به قول آن کسی که می‌خواهد صحبت کند، گوش می‌دهند؛ لکن شما می‌بینید که برای خاطر همین مجالسی که مردم را به هم پیوند داده است، این مجالس عزایی که

مردم را به هم جوش داده است. به مجرد اینکه یک مطلبی پیش می‌آید، در یک شهر نه، در سرتاسر کشور، تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سیدالشهدا، مجتمع می‌شوند و احتیاج به اینکه زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات بشود، ندارد. با یک کلمه، وقتی مردم ببینند که این کلمه از حلقوم سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه) بیرون می‌آید، همه باهم مجتمع می‌شوند.^۱

امام خمینی رضوان‌الله‌علیه: شاید غرب‌زده‌ها به ما می‌گویند که «ملت‌گریه» و شاید خودی‌ها نمی‌توانند تحمل کنند که یک قطره اشک، مقابل چقدر ثواب است. یک مجلس عزا چقدر ثواب دارد. نتواند هضم کند و نتواند هضم کنند آن چیزهایی که برای ادعیه، ذکر شده است و آن ثواب‌هایی که برای دو سطر دعا ذکر شده است. نمی‌توانند این را ادراک کنند و هضم کنند. جهت سیاسی این دعاها و این توجه به خدا و توجه همه مردم را به یک نکته، این است که یک ملت را بسیج می‌کند برای یک مقصد اسلامی. مجلس عزا، نه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند، البته این هم هست، و دیگران را اجر اخروی نصیب کند؛ بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده [است] و هیچ چیز نمی‌تواند این کار را به مقدراری که عزای حضرت سیدالشهدا در او تأثیر دارد، تأثیر بکند.^۲

امام خمینی رضوان‌الله‌علیه: اگر بفهمند آن‌ها که حضرت سجاد (سلام‌الله‌علیه) که همه چیزش را در کربلا از دست داد و در یک حکومتی بود که قدرت بر همه چیز داشت، این ادعیه‌ای که از او باقی مانده است، چه کرده است و چطور می‌تواند تجهیز بکند، به ما نمی‌گفتند که ادعیه برای چیست. اگر روشن‌فکران ما فهمیده باشند که این مجالس و این دعاها و این ذکرها و این مجالس مصیبت، جنبه سیاسی و اجتماعی‌اش چیست، نمی‌گویند که برای چه این کار را بکنیم. تمام روشن‌فکرها و تمام غرب‌زده‌ها و تمام

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

۲. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

قدرتمندها اگر جمع بشوند، نمی‌توانند یک پانزده خرداد را ایجاد کنند، آنچه این قدرت را دارد، این است که در تحت لوای او، همه مجتمع‌اند.^۱

امام خمینی^{علیه‌السلام}: از این هماهنگ‌تر چه؟ شما در کجا سراغ دارید که یک ملتی این‌طور هماهنگ بشود؟ کی این‌ها را هماهنگ کرده [است]؟ این‌ها را سیدالشهدا هماهنگ کرده است. در تمام کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی در روز عاشورا و تاسوعا و ... این دستجات با آن عظمت، البته جهات غیرشرعی‌اش باید حساب بشود، باید جهات شرعی محفوظ بماند، این دستجات با آن عظمت، با آن محتوا، همه‌جا [به راه می‌افتند]. کی می‌تواند یک همچنین اجتماعی درست کند؟ در کجای عالم شما سراغ دارید که این مردم، این‌طور هماهنگ باشند؟ بروید هندوستان همین بساط، بروید پاکستان، همین بساط، بروید اندونزی، همین بساط، بروید عراق، همین بساط، بروید افغانستان، هرجا بروید، همین بساط [است]. کی این‌ها را هماهنگ کرده؟ این هماهنگی را از دست ندهید.^۲

۷-۴. زمینه‌سازی برای آغاز نهضت‌های اسلامی

امام خمینی^{علیه‌السلام}: شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه‌زنی و نوحه‌سرایی نبود، پانزده خرداد پیش می‌آمد. هیچ قدرتی نمی‌توانست پانزده خرداد را آن‌طور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا (سلام‌الله‌علیه).^۳

رهبر معظم انقلاب^{علیه‌السلام}: شروع نهضت پانزده خرداد هم به برکت عاشورا بود... در پانزده خرداد که در سال ۴۲ شمسی، ۸۳ قمری، با دوازدهم محرم مصادف بود، امام بزرگوار ما (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) در عرصه عاشورایی و با بهره‌برداری به‌بهترین شکل ممکن از ماجرای عاشورا و محرم، توانستند پیام حق و داد برآمده از دل خود را به گوش مردم

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ۲۹ آبان ۱۳۵۸.

۳. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

برسانند و مردم را متحول کنند. اولین شهدای ما هم در ماجرای پانزده خرداد، در تهران، ورامین و بعضی جاهای دیگر، همین سینه‌زن‌های حسینی بودند که آمدند و در معرض تهاجم دشمن عاشورا قرار گرفتند. در سال ۵۷ هم مشاهده کردید ماجرای آن روز و ماهی را که در آن، خون بر شمشیر پیروز می‌شود. این نام را امام بزرگوار از همه قضایای محرم، خلاصه‌گیری، استحصال و مطرح کردند. همین‌طور هم شد؛ یعنی مردم ایران به پیروی از حسین بن علی علیه السلام درس عاشورا را گرفتند و در نتیجه خون بر شمشیر پیروز شد. این موضوع در ماجرای امام حسین، چیز عجیبی است.^۱

امام رضوان الله علیه تقریباً ما به این مرتبه رسیده‌ایم که ملت ما یک‌دفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ‌جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود و این رژیم سابق همه چیز این را از دست داده بود و همه شرافت انسانی این کشور را از دست داده بود و همه چیز ما را وابسته کرده بود، یک‌دفعه یک انفجاری حاصل شد که نظیر آن در هیچ‌جا نبود. این انفجار در برکت همین مجالسی [بود] که همه کشور را، همه مردم را دور هم جمع می‌کرد و همه به یک نقطه، نظر می‌کردند. این مسئله را باید آقایان خطبا و ائمه جماعت و ائمه جمعه، درست، بیشتر از آن قدری که من می‌دانم، برای مردم تشریح کنند تا اینکه گمان نکنند که ما یک «ملت گریه» هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه‌ها، یک قدرت دوهزاروپانصدساله را

از بین بردیم.^۲

بزرگوار رضوان الله علیه در مورد مسئله محرم و عاشورا، باید بگویم که روح نهضت ما و جهت‌گیری کلی و پشتوانه پیروزی آن، همین توجه به حضرت ابی‌عبدالله (علیه الصلاة والسلام) و مسائل مربوط به عاشورا بود. شاید برای بعضی‌ها، این مسئله قدری ثقیل به نظر برسد؛ لیکن واقعیت همین است. هیچ فکری، حتی در صورتی که ایمان عمیقی هم با آن همراه باشد، نمی‌توانست توده‌های عظیم میلیونی مردم را آن‌چنان حرکت

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۲. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

بدهد که در راه انجام آنچه احساس تکلیف می‌کردند، در انواع فداکاری ذره‌ای تردید نداشته باشند.^۱

رهبر معظم انقلاب: در دو فصل، امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) مسئله نهضت را به مسئله عاشورا گره زدند: یکی در فصل اول نهضت، یعنی روزهای محرم سال ۴۲ که تریبون بیان مسائل نهضت، حسینی‌ها و مجالس روضه‌خوانی و هیئات سینه‌زنی و روضه روضه‌خوان‌ها و ذکر مصیبت‌گویندگان مذهبی شد و دیگری، فصل آخر نهضت، یعنی محرم سال ۵۷ بود که امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) اعلام فرمودند: «ما محرم، گرامی و بزرگ داشته بشود و مردم مجالس برپا کنند.» ایشان، عنوان این ماه را ماه پیروزی خون بر شمشیر قرار دادند و مجدداً همان طوفان عظیم عمومی و مردمی به‌وجود آمد؛ یعنی ماجرای نهضت که روح و جهت حسینی داشت، با ماجرای ذکر مصیبت حسینی و یاد امام حسین (علیه‌السلام) گره خورد.^۲

رهبر معظم انقلاب: انقلاب ما به برکت امام حسین پیروز شد؛ مگر غیر از این است؟ اگر مجالس محرم نبود، اگر جلسات عزاداری نبود، اگر جلسات سخنرانی در طول این سالیان دراز نبود، اصلاً این انقلاب به پیروزی نمی‌رسید.^۳

۷-۵. ایجاد قدرت مقاومت در برابر دشمنان

امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه): هیچ قدرتی نمی‌تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرتهای بزرگ برای او توطئه چیده‌اند، این توطئه‌ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزاداری.^۴

رهبر معظم انقلاب: این نعمت عظیم، [یاد و خاطره امام حسین (علیه‌السلام)] دل‌ها را به منبع جوشش ایمان اسلامی متصل می‌کند. کاری می‌کند که در طول تاریخ کرد و ستمگران حاکم، از عاشورا ترسیدند و از وجود قبر نورانی امام حسین (علیه‌السلام) واهمه داشتند. ترس از حادثه

۱. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۲. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۳. بیانات در دیدار با جامعه مداحان، ۱۱ اسفند ۱۳۶۲.

۴. صحیفه نور، ج ۱۶، ۳۰ خرداد ۱۳۶۱.

عاشورا و شهدای آن، از زمان خلفای بنی امیه شروع شده و تا زمان ما ادامه یافته است و شما یک نمونه اش را در دوران انقلاب خودمان دیدید. وقتی که محرم از راه می‌رسید، نظام مرتجع کافر فاسق فاسد پهلوی، می‌دید دیگر دستش بسته است و نمی‌تواند علیه مردم مبارز عاشورایی، کاری انجام دهد. در واقع مسئولین آن نظام، ناتوانی خود را ناشی از فرارسیدن محرم می‌دانستند. در گزارش‌های برجامانده از آن رژیم منحوس، اشارت‌ها، بلکه صراحت‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد آن‌ها با فرارسیدن محرم، دست و پایشان را حسابی گم می‌کردند. امام بزرگوار ما (رضوان الله علیه)، آن مرد حکیم تیزبین دین‌شناس دنیاشناس انسان‌شناس، خوب فهمید که از این حادثه برای پیشبرد هدف امام حسین علیه السلام چگونه باید استفاده کند و کرد.

در **مجمع‌العلماء** امام بزرگوار ما، محرم را به‌عنوان ماهی که در آن، خون بر شمشیر پیروز می‌شود، مطرح نمود و به‌برکت محرم، با همین تحلیل و منطق، خون را بر شمشیر پیروز کرد. این یک نمونه از جلوه‌های نعمت ماه محرم و مجالس ذکر و یاد امام حسین علیه السلام است که شما دیدید؛ لذا هم مردم و هم روحانیون، باید از این نعمت استفاده کنند.^۱

امام خمینی رضوان الله علیه: شما باید تبلیغ کنید آقا! محرم است، این محرم را زنده نگه دارید. ما هرچه داریم، از این محرم است و از این مجالس. مجالس تبلیغ ما هم از محرم است، از این قتل سیدالشهداست و [از] شهادت اوست. ما باید به‌عمق این شهادت و تأثیر این شهادت در عالم برسیم و توجه کنیم که تأثیر او امروز هم هست. اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی‌شد. همه در تحت بیرق امام حسین (سلام الله علیه) قیام کردند. الان هم می‌بینید که در جبهه، وقتی که نشان می‌دهند آن‌ها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه‌ها را گرم نگه می‌دارند.^۲

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۲. صحیفه نور، ج ۱۷، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

۶-۷. ایجاد حاکمیت اسلام و حفظ نظام اسلامی

رهبر معظم انقلاب^{علیه السلام}: آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمه علیهم السلام به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه علیهم السلام جداً می‌خواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار، آن‌طور که تصور می‌شود، با علم و معرفت امام، منافات ندارد. آن‌ها واقعاً می‌خواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار می‌کردند، تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه‌گیری‌ها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا می‌کند که حالا این موضوع را بحث نمی‌کنیم. اجمالاً، در اینکه حرکت آن‌ها برای این مقصود بوده است، شکی نیست. ما امروز، به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیه آن نهضت، در جامعه خودمان این نظام را به وجود آورده‌ایم. اگر در جامعه ما، عشق به امام حسین علیه السلام و یاد او و ذکر مصائب و حوادث عاشورا، معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می‌رسید. این، عامل فوق‌العاده مؤثری در پیروزی نهضت بود و امام بزرگوار ما، در راه همان هدفی که حسین بن علی علیهما السلام قیام کرده بودند، از این عامل حداکثر استفاده را کردند.^۱

رهبر معظم انقلاب^{علیه السلام}: آنچه که نهضت ما را جهت می‌داد و امروز هم باید بدهد، دقیقاً همان چیزی است که حسین بن علی علیهما السلام در راه آن قیام کرد. ما امروز، برای شهدای خود که در جبهه‌های گوناگون و در راه این نظام و حفظ آن، به شهادت می‌رسند، با معرفت عزاداری می‌کنیم. آن شهید و جوانی که یا در جنگ تحمیلی و یا در برخورد با انواع و اقسام دشمنان و منافقان و کفار به شهادت رسیده، هیچ شبهه‌ای برای مردم ما وجود ندارد که این شهید، شهید راه همین نظام است و برای نگه داشتن و محکم کردن ستون‌های همین نظام و انقلاب، به شهادت رسیده است؛ درحالی که وضع شهدای امروز، با شهدای کربلا که در تنهایی و غربت کامل، قیام کردند و هیچ‌کس آن‌ها را به پیمودن این راه تشویق نکرد؛ بلکه همه مردم و بزرگان وجوه

۱. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

اسلام، آن‌ها را منع می‌کردند، متفاوت است؛ درعین حال، ایمان و عشقشان آن‌چنان لبریز بود که رفتند و غریبانه و مظلومانه و تنها به شهادت رسیدند. وضع شهدای کربلا، با شهدایی که تمام دستگاه‌های تبلیغی و مشوق‌های جامعه به آن‌ها می‌گویند برویند و آن‌ها هم می‌روند و به شهادت می‌رسند، فرق دارد. البته این شهید، شهید والامقامی است؛ اما او چیز دیگری است.^۱

رهبر عظیم انقلاب: ما که امروز این نظام اسلامی را لمس می‌کنیم و برکات آن را از نزدیک می‌بینیم، بیشتر از اسلاف خود، قدر نهضت حسینی علیه السلام و معنای آن را درک می‌کنیم و باید بکنیم. آن بزرگوار، برای چنین چیزی حرکت کرد. آن بزرگوار، برای همین قیام کرد که رژیم‌های فاسد و مخرب انسان و دین و ویرانگر صلاح، در جامعه نباشند و نظام اسلامی و الهی و انسانی و مبنی بر صلاح، در جامعه استقرار پیدا کند. البته اگر آن نظام در زمان آن بزرگوار و با در زمان ائمه بعدی علیهم السلام که معصوم‌اند و به منبع وحی متصل‌اند، تحقق پیدا می‌کرد و آن‌ها در رأس آن نظام قرار می‌گرفتند، طبیعی است که وضعشان با ما متفاوت بود. درعین حال، هیکل و هندسه قضیه، یکی است و آن‌ها هم برای همین طور نظامی، حرکت می‌کردند.^۲

رهبر عظیم انقلاب: ما در آستانه محرم انقلاب و محرم امام حسین علیه السلام که یکی از محصولات آن نهضت، نظام جمهوری اسلامی است، قرار داریم. محرم دوران انقلاب، با محرم‌های قبل از انقلاب و دوران عمر ما و قبل از ما، متفاوت است. این محرم‌ها، محرم‌هایی است که در آن، معنا و روح و جهت‌گیری، واضح و محسوس است. ما نتایج محرم را در زندگی خود می‌بینیم. حکومت و حاکمیت و اعلا‌ی کلمه اسلام و ایجاد امید به برکت اسلام در دل مستضعفان عالم، آثار محرم است.^۳

۱. بیانات در دیدار با جمعی از اینتارگران و فرهنگیان و ورزشکاران، ۲۱ شهریور ۱۳۶۹.

۲. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۳. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۷-۷. تحقق وحدت کلمه

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان، یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمع‌اند.^۱

امام خمینی^{رضوان الله علیه}: لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق (علیهم‌السلام الله) به‌طور کوبنده، فجایع و ستمگری‌های ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود... و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است، این مراسم سیاسی [عزاداری حسینی] است که حافظ ملیت مسلمین، به‌ویژه شیعیان ائمه اثناعشر (علیهم‌صلوات‌الله) [است].^۲

۸. مسئولیت هیئت‌ها و مجالس مذهبی در قبال انقلاب اسلامی

رئیس‌جمهور منظره: امروز ما کشوری هستیم که ملت ما به‌برکت خون و قیام امام حسین (علیه‌السلام) و به‌برکت روح حسینی، توانست قیام کند و یک نظام استبدادی فاسد خبیث زشت‌کردار زشت‌خو را به زانو دریاورد و یک حکومت مردمی با صبغه و روحیه و با عمل نسبتاً اسلامی، روحیه ما اسلامی است؛ اما نمی‌توانم بگویم که عمل‌مان کاملاً اسلامی است، نسبتاً اسلامی است که ان‌شاء‌الله روز به روز باید بیشتر اسلامی شود، را سر کار بیاورد، که خود این نظام، فحش به همه قدرت‌های عالم است. نفس وجود نظام جمهوری اسلامی، فحش به آمریکا است؛ ولو شما یک کلمه هم «مرگ بر آمریکا» نگویند؛ خود اینکه این هست، نوعی دهن‌کجی به همه قدرت‌هایی است که با معنویت و با فضیلت و با استقلال و با شرف ملت‌ها مخالف‌اند. امروز همه وظیفه دارند این نظام را از نقص‌ها و ضعف‌های خودش خلاص کنند و عناصر قدرت و

۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۶۰، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۳.

قوت معنوی و مادی را در آن تقویت کنند و در آن بیشتر به وجود بیاورند. اگر احتیاج به وحدت داریم، اگر احتیاج به علم داریم، اگر احتیاج به همکاری داریم، اگر احتیاج به تلاش اقتصادی یا سیاسی داریم، اگر احتیاج به روح شهادت‌طلبی و سلحشوری داریم و اگر احتیاج به خیلی چیزها داریم، باید هرکس به قدر خودش این‌ها را در جامعه به وجود بیاورد.^۱

امام خمینی رضوان الله علیه: اسلام یک امری است که انبیا، که نبی اکرم، که اولاد نبی اکرم و اصحاب متعهد نبی اکرم، برای او جان‌فشانی‌ها کردند و برای او زحمت‌ها کشیدند. اسلام چیزی است که از خدا آمده است و باید حفظ بشود و اگر خدای نخواستہ این پیروزی که دنبال این انقلاب به دست شما آمده است، به واسطه سستی ما، به واسطه ضعف تبلیغ ما، به واسطه ضعف حضور ملت به شکست، خدای نخواستہ، برسد، بدانید که اسلام تا قرن‌ها دیگر نمی‌تواند سر بلند کند. تکلیف، بزرگ است و همه باید تکلیف بزرگ را بپذیریم. آخر مطلب، شهادت است و وصول به لقاء الله و حضور در محضر حضرت سیدالشهدا و امثال او و این غایت آمال اشخاصی است که عشق به خدا دارند.^۲

امام خمینی رضوان الله علیه: همه مکلف‌اند به اینکه این نعمت خدا را [انقلاب اسلامی ایران]، این عطیه الهی را حفظ کنند و شکر این نعمت را برآورند و شکر به این است که تبلیغ کنند آنچه که سیدالشهدا عمل کرد و آن ایده‌ای که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد و برای اسلام حاصل شد. به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسئله مجاهده در راه اسلام، آن است که او کرد. می‌دانست که با یک عده قلیل، کمتر از صد نفر، نمی‌شود مقابله با یک همچو ظالمی، دارای همه چیز، کرد، در صورت‌های مادی؛ لکن می‌دانست که همین شهادت، پیروز کرد اسلام را و اسلام را تجدید کرد. همین شهادت این پیرمردهای

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۷ مرداد ۱۳۸۳.

۲. صحیفه نور، ج ۱۷، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

محراب، از مدنی رحمته گرفته تا این شهید اخیر ما،^۱ همین شهادت‌ها پیروزی را بیمه می‌کند. همین شهادت‌هاست که دشمن شما را رسوا می‌کند در دنیا، هرچند که همه دنیا با آن‌ها موافق باشد.^۲

اما مؤمنین رضوان الله علیهم در این اجتماعاتی که در محرم و صفر می‌شود و در سایر اوقات، مبلغین عزیز و علمای اعلام و خطبای معظم باید مسائل روز را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را و تکلیف مردم در یک همچو زمانی که گرفتار این همه دشمن ما هستیم، معین کنند. به مردم و به کشور بفهمانند که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه، ان‌شاءالله برویم. ما با این ترتیبی که تاکنون بوده است و کشور ما و افراد کشور ما بحمدالله حاضر بودند، با این ترتیب اگر پیش برویم، آخر کارمان به پیروزی مطلق می‌رسد؛ لکن نباید سست بشویم.^۳

در مجلس اعظم بنظرت: این انقلاب می‌تواند به برکت امام حسین و حضرت زهرا و ائمه علیهم السلام و به برکت همین مدح و همین گفتن این حقایق درباره زندگی این بزرگواران به تمام دنیا صادر بشود و ما این کار را می‌توانیم بکنیم و شما [ذاکران اهل بیت علیهم السلام] یکی از آن بهترین پایگاه‌ها و ابزارها را در اختیار دارید.^۴

۹. تکالیف عمومی در برابر عزاداری

در مجلس اعظم بنظرت: من اگر بخوام درباره مجالس عزاداری در کل کشور قضاوت کنم، این قضاوت صددرصد مثبت نیست. اخلاص و ارادت و وفا و ایمان مردم، جای حرف ندارد. بعضی از منبرها و سخنرانی‌ها، جالب و بسیار ممتاز است. بعضی از عزاداری‌ها خوب است؛ اما این‌ها همگانی نیست. ما باید همت کنیم تا به برکت همین مجالس،

۱. شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی رحمته.

۲. صحیفه نور، ج ۱۷، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

۳. صحیفه نور، ج ۱۷، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

۴. بیانات در دیدار با جامعه مداحان، ۱۱ اسفند ۱۳۶۴.

درس حسین بن علی علیه السلام را که بحمد الله امروز در فضای زندگی ما، امام حسین و زینب کبری و علی اکبر و ابوالفضل و دیگران، حضور دارند و این مدرّس‌ها زنده‌اند؛ «بل احیاء»، با همه قوت و قدرت، بر افکار عمومی جامعه مان عرضه کنیم. این آن کاری است که هم به عهده من است، هم به عهده نوحه خوان است، هم به عهده سخنران است و هم به عهده سینه زن است.^۱

۹-۱. وظایف همگانی

امام خمینی رضوان الله علیه: [اگر] بخواهیم مملکتمان، یک مملکت مستقلی باشد، یک مملکت آزادی باشد، باید این رمز را حفظ بکنیم. این مجالسی که در طول تاریخ بر پا بوده است و با دستور ائمه علیهم السلام این مجالس بوده است. خیال نکنند بعضی از این جوان‌های ما که این مجالس، مجالسی بوده است که گریه در آن بوده است، حالا ما باید گریه، دیگر نکنیم، این یک اشتباهی است که می‌کنند.^۲

امام خمینی رضوان الله علیه: الان بیشتر ما احتیاج داریم به این مجالس. تو گوش شما نخوانند به اینکه «این مجلس‌ها بگذاریم حالا و مجالس روضه را، خرج‌هایی که می‌کنیم، حالا نکنیم و خرج مثلاً این جنگ‌زده‌ها بکنیم...» [این] یک وظیفه انسانی، وظیفه الهی است؛ [اما] نه به معنای اینکه ما حالا کارهای دیگرمان را رها کنیم، به این کار فقط بچسبیم. همه را باید ما بگیریم. امروز ما به مجالس تعزیه و روضه بیشتر احتیاج داریم از سابق. این اجتماع سرتاسری کشور، این دستجات سرتاسری کشور، امروز دیگر یک رنگ سیاسی پیدا کرده است و حق هم همین است.^۳

رهبر معظم عظمتنا من الله: هم مردم و هم روحانیون، باید از این نعمت استفاده کنند. استفاده مردم این است که به مجالس عزاداری سیدالشهدا علیه السلام دل ببندند و این مجالس

۱. بیانات در دیدار با مسئولان هیئت‌های رزمندگان اسلام از سراسر کشور، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰.

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۷، ۲۹ آبان ۱۳۵۹.

۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۵، ۱۴ آبان ۱۳۵۹.

را، در سطوح مختلف، هرچه می‌توانند بیشتر اقامه کنند. مردم باید مخلصانه و برای استفاده، در مجالس عزاداری حسینی شرکت کنند؛ نه برای وقت‌گذراندن یا به‌صورت عامیانه‌ای، فقط به‌عنوان ثواب اخروی که نمی‌دانند هم، این ثواب اخروی از کجا می‌آید؟

رهبر معظم انقلاب^{علیه‌السلام}: مسلماً شرکت در مجالس مذکور، ثواب اخروی دارد؛ اما ثواب اخروی مجالس عزا، از چه ناحیه و به چه جهت است؟ مسلماً مربوط به جهتی است که اگر آن جهت نباشد، ثواب هم نیست. بعضی از مردم متوجه این نکته نیستند. همه باید در این مجالس شرکت کنند. قدر مجالس عزاداری را بدانند. از این مجالس استفاده کنند و روحاً و قلباً این مجالس را وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هرچه محکم‌تر میان خودشان و حسین بن علی^{علیه‌السلام}، خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند. این از وظایفی که در این خصوص مربوط به مردم است.^۱

۹-۲. وظایف مسئولان در قبال عزاداری‌ها

رهبر معظم انقلاب^{علیه‌السلام}: [شما اعضای مجلس خبرگان رهبری درباره] مسئله عزاداری‌ها، می‌توانید قطعنامه صادر کنید و این را از رهبری بخواهید، اشکالی ندارد، از مسئولان بخواهید. مسئله عزاداری‌ها از موضوعات کاملاً متناسب با شماست؛ زیرا این مسئله را امضا کنید و نشان دهید که نسبت به این قضیه، نظر و اهتمام دارید و می‌خواهید این کار صورت بگیرد.^۲

۹-۳. وظیفهٔ علما و روحانیان

رهبر معظم انقلاب^{علیه‌السلام}: قوام مجالس عزا به این است که عده‌ای دور هم جمع شوند و یک فرد روحانی، با حضور یافتن در میان آن‌ها، اقامهٔ عزا کند تا دیگران از اقامهٔ عزای او،

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانهٔ محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۲. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۷ اسفند ۱۳۸۳.

مستفید شوند.^۱

ربِّ عِظَمِ نِعْمَتِهِ: علمای دین، چه هنگام می‌توانستند بر این کار [مجالس عزاداری]، اشراف و نظارتی آن‌چنان‌که امروز دارند، داشته باشند؟ البته کسانی هستند که از این‌گونه چیزها خشنود نخواهند بود، نباشند، مانعی ندارد. آنچه مورد رضای خدا و مورد نیاز مردم و توقع نسل‌های بعد از ماست، باید مورد توجه قرار بگیرد.^۲

سیدالشهدا همه‌جا هست؛ «كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا»، همه‌جا محضر سیدالشهداست. همه‌ی منبرها، محضر سیدالشهداست، همه‌ی محراب از سیدالشهداست. اگر سیدالشهدا نبود، یزید و پدرش و اعقابشان اسلام را منسی^۳ کرده بودند. اگر نسیان شده بود، یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس شده بود. معاویه و یزید، یک رژیم اسلامی را رژیم طاغوتی داشتند معرفی می‌کردند. اگر سیدالشهدا نبود، این رژیم طاغوتی را این‌ها تقویت می‌کردند، به جاهلیت برمی‌گرداندند. اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم، مسلم طاغوتی بودیم، نه مسلم امام‌حسینی! امام حسین نجات داد اسلام را؛ ما برای یک آدمی که نجات داده اسلام را و رفته، کشته شده، هی سکوت کنیم؟! ما هر روز باید گریه کنیم. ما هر روز باید منبر برویم. برای حفظ این مکتب، برای حفظ این نهضت‌ها. این نهضت‌ها مرهون امام‌حسین (سلام‌الله‌علیه) هست.^۴

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه‌ی محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه‌ی محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳. فراموش شده.

۴. صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۷۰، ۱۷ تیر ۱۳۵۸.

توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی هیئت

* سؤال‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.
* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب، نام مسابقه، شماره گزینه‌های صحیح سؤال‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست و نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: هیئت ۱۴۱۳۲ سیدرضا محمدی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: www.razavi.aqr.ir
۳. پاسخ به سؤال‌ها در پاسخنامه: پاسخنامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.
هزینه ارسال پاسخنامه از طریق «پست جواب قبول» پرداخت شده است و نیازی به استفاده از پاکت و تمبر نیست.

* هر فرد فقط یک بار می‌تواند در مسابقه شرکت کند؛ پیامک‌ها و پاسخنامه‌های تکراری و ناقص حذف می‌شود.

*** آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک‌ماه پس از دریافت کتاب است.**

* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن از طریق سامانه پیامکی گفته‌شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

این متن حاوی آیات قرآن و اسماء متبرکه است. شایسته است در حفظ حرمت آن کوشا باشیم

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

سؤال اول: هیچ چشمی و هیچ اشکی نزد خدا محبوبتر از چشمی نیست که بر امام حسین علیه السلام گریه کند. این سخن از کیست؟

۱. امام سجاد علیه السلام ۲. امام رضا علیه السلام ۳. امام صادق علیه السلام ۴. امام کاظم علیه السلام

سؤال دوم: کدام گزینه فلسفه وجودی عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام می باشد؟

۱. حفظ و احیای اسلام ۲. زنده نگه داشتن نهضت حسینی
۳. مقابله با ظلم ستمکاران ۴. همه موارد

سؤال سوم: چه چیز در گفت‌وگوی خدای متعال با موسای کلیم به عنوان برتری امت محمد بیان شد؟

۱. نماز، روزه، حج، جهاد، نماز جمعه، نماز جماعت، قرآن، علم و عاشورا

۲. نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، نماز جماعت، قرآن، علم و عاشورا

۳. نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، نماز جمعه، قرآن، علم و عاشورا

۴. نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، نماز جمعه، نماز جماعت، قرآن و علم

سؤال چهارم: کدام امام معصوم وصیت کردند که ده سال در منا، برایشان عزاداری و گریه کنند؟ دلیل آن چه بود؟

۱. امام صادق علیه السلام - نفوس مردم را به مکتب اهل بیت توجه می دهد و ظالم را منهدم و مظلوم را قوی می کند.

۲. امام باقر علیه السلام - نفوس مردم را به مکتب اهل بیت توجه می دهد و ظالم را منهدم و مظلوم را قوی می کند.

۳. امام رضا علیه السلام - نفوس مردم را به مکتب اهل بیت توجه می دهد و ظالم را منهدم و مظلوم را قوی می کند.

۴. امام سجاد علیه السلام - نفوس مردم را به مکتب اهل بیت توجه می دهد و ظالم را منهدم و مظلوم را قوی می کند.

سؤال پنجم: به گفته رهبر معظم انقلاب روح نهضت ما و جهت گیری کلی و پشتوانه پیروزی آن چه بوده است؟

۱. آزادی خواهی و رشد دانش عمومی

۲. بیداری عمومی و ظهور نخبگان دینی و فرهنگی

۳. توجه به حضرت ابی عبدالله و مسائل مربوط به عاشورا

۴. روح حقیقت طلبی مردم

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی «هیئت»

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

سؤال	گزینه	۱	۲	۳	۴
سؤال اول					
سؤال دوم					
سؤال سوم					
سؤال چهارم					
سؤال پنجم					

فرم نظر سنجی کتاب

ردیف	موضوع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب سؤالات با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
نظرها، پیشنهادات و انتقادات: ----- ----- -----						